



به نام خدا



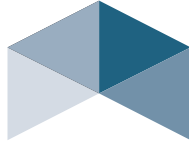
گزارش کارشناسی  
فهم‌الگوهای اعتراضات صنفی  
نیروی کار در ایران  
(با تأکید بر اعتراضات صنفی سال ۱۳۹۶)



موسسه عالی پژوهش تأثیرات اجتماعی

افکارسنجی و نظرسنجی





## فهم الگوهای اعتراضات صنعتی نیروی کار در ایران (با تأکید بر اعتراضات صنعتی سال ۱۳۹۶)

تهیه و تدوین: روزبه آقاجری

ناظر علمی: گروه افکارسنجی و نظرسنجی

شماره مسلسل: DF ۰۲ PS (۱۸) ۹۷

تاریخ انتشار گزارش: ۹۷/۱۱/۲



مرکز پژوهش‌های اجتماعی

واژه‌های کلیدی:

اعتراضات کارگری  
الگوهای اعتراضات  
تحلیل روند  
تشکل‌های کارگری



خواننده گرامسی از طریق  
اسکن بارکد، می‌توانید  
جهت شرکت در نظرسنجی  
این کتاب به لینک مربوط  
به آن مراجعه کنید.



## فهرست مطالب

۴	پیشگفتار مؤسسه
۶	مقدمه
۱۰	راه طی شده: مرور مختصر روند اعتراضات کارگری در ایران پس از انقلاب ۱۰
۱۰	نگاهی به جنبش کارگری در مقطع انقلاب
۱۵	دهه‌ی دوم انقلاب: از شورش‌های اسلامشهر تا کارگران نفت تهران
۲۱	دهه‌ی سوم انقلاب: ایجاد و احیای سندیکاهای کارگری
۲۶	دهه‌ی چهارم انقلاب: رکوردشکنی اعتراضات
۴۰	گزارشی از ماهیت و کمیت اعتراضات کارگری سال ۱۳۹۶
۴۲	تحلیل فراوانی اعتراضات
۴۲	پراکندگی اعتراضات براساس زمان وقوع
۴۳	تحلیل پراکندگی اعتراضات بر اساس زمان وقوع
۴۳	حوزه‌های اعتراضات
۴۴	تحلیل حوزه‌های اعتراضات
۴۴	مکان‌های اعتراض
۴۵	تحلیل مکان‌های اعتراض
۴۶	فراوانی اعتراضات بر اساس شاخه‌های تولیدی
۴۶	تحلیل فراوانی اعتراضات براساس شاخه‌های تولیدی
۴۹	علت اعتراضات
۵۲	شیوه‌های اعتراض
۵۴	نتیجه‌گیری

## پیشگفتار مؤسسه

سازمان تأمین اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین نهادهای مرتبط با تأمین امنیت شغلی برای نیروی کار در کشور است. جمعیت میلیونی تحت پوشش این سازمان و خانواده‌های آنان، سهمی بزرگ از جمعیت کشور را به خود اختصاص می‌دهد. فارغ از این اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم، فضای کلی کسب و کار، رونق یا رکود و رضایت یا عدم کارگران و کارفرمایان و سایر عوامل مؤثر در فرآیند کسب و کار و اشتغال در کشور، به صورت غیرمستقیم بر شاخص‌های کارآیی و پایداری سازمان تأمین اجتماعی اثرگذار است.

از سوی دیگر، «سه‌جانبه‌گرایی» به عنوان یکی از اصول و مبانی مطرح شده در ادبیات علمی تأمین اجتماعی و حوزه رفاه و سیاستگذاری، مورد تأکید سازمان‌های ملی و بین‌المللی این حوزه نظیر سازمان بین‌المللی کار (ILO) و اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های تأمین اجتماعی بوده است. رعایت اصل مبنایی سه‌جانبه‌گرایی، مستلزم توجه به مسائل، نیازها و مطالبات ضلع نیروی کار است.

مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی در راستای عطف توجه به این مبانی و مفروضات بنیادین، موضوع فهم الگوهای اعتراضات صنفی نیروی کار در دهه‌های اخیر و به خصوص سال ۱۳۹۶ را در دستور کار خود قرار داد تا از این رهگذر، بتواند تصویری از





مطالبات، نیازها و مسائل منجر به این اعتراضات برای سیاستگذاران این حوزه‌ها فراهم آورد. بدون به دست دادن تصویری توصیفی از این اعتراضات، عملاً تحلیل علل و روندهای تغییر و تحول این مسائل غیرممکن می‌نمود. به علاوه، پژوهش‌هایی که در این بازه زمانی به صورت روشمند بتوانند تصویری از علل و عوامل و روندهای ظهور و بروز و فراز و فرود این اعتراضات و مسائل به دست دهند، اندک بودند و گاه نمونه‌ای از آنها نمی‌توان یافت.

پژوهش حاضر، محصول تلاشی برای تحقق اهداف فوق بوده‌است؛ گرچه این پژوهش، از گام‌های آغازین در این حوزه قلمداد می‌شود، اما نظر به اندک بودن منابع قابل استناد و پژوهشی پیشین، تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه برای به دست دادن تصویری کلی از این اعتراضات، گرچه همراه با نقاط ضعف و اعوجاج روشی یا تحلیلی، می‌تواند فضایی برای تأمل سیاستگذاران و دست‌اندرکاران این حوزه فراهم نماید. امید که چنین باشد.

خاطر نشان می‌سازد مطالب و محتوای گزارش، طبیعتاً نظر حقوقی مؤسسه را بازتاب نمی‌دهد و بخشی از نظرات کارشناسی در این حوزه منعکس می‌کند. نقدهای متخصصین این حوزه برای تکمیل و تدقیق این نظرات کارشناسی حائز اهمیت خواهد بود.

دکتر شهرام غفاری  
رئیس مؤسسه  
زمستان ۹۷

مرور اعتراضات کارگری در ایران پس از انقلاب حاکی از آن است که به تناسب شدت گرفتن اثرات سوء سیاست‌های اقتصادی راست‌گرایانه و علی‌رغم فقدان تشکلهای مستقل (بجز سه نوع امکان تشکلیابی پیش‌بینی شده در قانون) همواره بر تعداد و شدت اعتراضات افزوده شده است، اما این اعتراضات پراکنده، ناپایدار و عموماً متوجه موضوع مطالبه‌ی «دستمزدهای معوقه» بوده است.

نگاهی به اعتراضات کارگری از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ که درباره برخی از جزئیات داده‌های مناسبی وجود دارد، نشان می‌دهد که اعتراضات کارگری با سرعت بیشتری در هر سال رشد کرده و با هر چه شدت گرفتن اثرات سیاست‌های راست‌گرایانه‌ی اقتصادی، علی‌رغم نبود تشکل، در اشکال اعتراضی‌ای نظیر «اعتصابات» بر طول مدت آن‌ها افزوده شده و نیز رفته رفته بار دیگر نشانه‌هایی در خصوص میل کارگران معترض به فراروی از اعتراض به صرفاً «دستمزدهای معوقه» مشاهده می‌شود که «خواست تشکل مستقل داشتن» و «لغو خصوصی‌سازی» از موارد قابل تأمل آن است.

ایده‌ی اصلی این گزارش از این قرار است که سطح اعتراضات کارگری به حدی رسیده است که فقدان تشکل کارگری تأثیری در بروز و ظهور هرچه بیشتر و پرشدت آن ندارد. از این رو فارغ از آنکه سیاست‌های اجتماعی همچنان متأثر از رویکردهای راست‌گرایانه پیش خواهد رفت یا اینکه تجدیدنظری‌هایی صورت خواهد گرفت، به رسمیت شناخته نشدن «حق اعتراض» برای کارگران، در کنار «حق تشکلیابی مستقل» و نیز عدم کاسته‌نشدن از برخوردهای امنیتی با این اعتراضات، استعداد بروز و ظهور خشونت خارج از کنترل در آن‌ها را هرچه بیشتر افزایش داده و کارگران معترض را خواه‌ناخواه به سمت ایده‌ناامیدی از امکانی برای اصلاح این وضعیت و بازتولید وضعیت منجر به اعتراض سوق خواهد داد.

طبق اعلام سازمان تامین اجتماعی، تعداد نیروی کار بیمه شده تحت پوشش

سازمان تامین اجتماعی تا پایان سال ۹۵ معادل ۱۳ میلیون و ۷۷۹ هزار و ۶۲۰ نفر اعلام شده است. با توجه به اینکه جمعیت بیمه شده در سال ۹۴ نیز معادل ۱۳ میلیون و ۷۱۱ هزار و ۷۲۶ نفر بود، آمار بیمه شدگان سال ۹۵ نشان می‌دهد تعداد این افراد در سال گذشته نسبت به سال ۹۴ به میزان ۶۷ هزار و ۸۹۴ نفر افزایش داشته است.

بر اساس این گزارش، تغییرات جمعیتی تعداد بیمه‌شدگان اصلی سازمان تامین اجتماعی طی پنج سال گذشته نشان می‌دهد، تعداد افراد بیمه شده اصلی در این مدت ۲ میلیون و ۲۸۲ هزار و ۵۳۱ نفر افزایش داشته و از حدود ۱۱ میلیون و ۴۹۷ هزار نفر در سال ۹۰ به ۱۳ میلیون و ۷۷۹ هزار و ۶۰۰ نفر در سال ۹۵ رسیده است (خبرگزاری اقتصادآنلاین)<sup>۱</sup>.

تعداد بیمه‌شدگان اصلی سازمان تأمین اجتماعی	
سال	تعداد (نفر)
۱۳۹۰	۱۱۴۹۷۰۸۹
۱۳۹۱	۱۲۲۸۶۶۸۳
۱۳۹۲	۱۲۸۰۸۰۴۷
۱۳۹۳	۱۳۳۴۴۴۹۸
۱۳۹۴	۱۳۷۱۱۷۲۶
۱۳۹۵	۱۳۷۷۹۶۲۰

علاوه بر بیمه‌شدگان اصلی تأمین اجتماعی، تعداد بیمه‌شدگان «تبعی» که افراد تحت پوشش بیمه‌شدگان اصلی هستند نیز بر اساس آخرین آمار، ۲۱ میلیون و ۹۳۳ هزار و ۵۹۶ نفر اعلام شد. بر اساس این گزارش، مجموع بیمه‌شدگان اصلی و تبعی در سال ۹۵ از جمعیت ۳۵ میلیون ۷۱۳ هزار و ۲۱۶ نفری خانواده‌های کارگری در کشور حکایت می‌کند.

در کنار این نکات، نباید از نظر دور داشت که جمعیت کارگران رسمی کشور

۱. خبرگزاری [www.eghtesadonline.com](http://www.eghtesadonline.com)، کد خبر: ۲۳۵۰۵۵، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۹/۱۱

هر ساله به استناد تعداد افراد بیمه شده اصلی اعلام می شود، در حالی که بر اساس اعلام برخی نمایندگان کارگری حدود چهار میلیون کارگر شاغل تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار ندارند که تحت عنوان «کارگران غیررسمی» شناخته می‌شوند (همان).

شایان توجه است که به اعتبار بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی، گروه‌های دیگری نظیر معلمان، پرستاران، بیکاران فاقد بیمه و... به صورت رسمی جزء جامعه ی کارگری حساب نمی‌شوند، در حالی مبتنی بر تعریف جامعه شناسانه) کلیه کسانی که ناگزیر از فروش نیروی کارشان به منظور ادامه بقا می باشند) آنان کارگرند.

با در نظر گرفتن این نکته که طبقه‌ی کارگر آن دسته از مردم هستند که از حیث وضعیت زندگی، معیشت و بهرمندی مناسب از شاخص‌های رفاهی از نابرخوردارترین اقشار اجتماعی به شمار می‌آیند (گروه‌های مختلف تهی‌دستان شهری در واقع پایین‌ترین قشر این طبقه‌اند)، اگر در کنار این، جمع‌بندی نتایج سیاست‌های کاهش فقر در طول اجرای برنامه‌های توسعه را هم در نظر بگیریم که حاکی از آن است که کاهش پایدار فقر در هیچ یک از جوامع شهری و روستایی رخ نداده است و حتی در پاره‌ای از موارد فقر در آن مناطق افزایش یافته است (مدنی، ۱۳۹۴: ۲۸۸)، آنگاه نتیجه‌گیری نابجایی نخواهد بود اگر بگوییم میان تعداد فقرا و اعضای طبقه‌ی کارگر تناظری یک به یک برقرار است. تناظری که اگر مبتنی بر کمیت آن، تعداد و موضوعیت اعتراضات کارگری سال‌های اخیر را در نظر بگیریم، ضرورت چاره‌اندیشی جدی برای وضعیتی را به ما گوشزد می‌کند که هر لحظه در حال بدتر شدن و به تبع آن افزوده شدن بر تعداد کارگران-فقراست. سخن از خشمگین و ناراضی بودن بیش از نیمی از جمعیت یک کشور است. تشدید یا تداوم این وضعیت می‌تواند چالش‌های جدی برای حاکمیت ایجاد نماید.

اینکه تعداد اعتراضات کارگری ثبت شده طی سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ بنا بر پژوهش‌هایی به ترتیب ۳۶۵، ۵۱۵ و ۱۲۶۴ مورد بوده است



که نسبت میان سال ۹۵ و ۹۴ حکایتی از رشد ۲۷ درصدی اعتراضات دارد<sup>۱</sup> و معاون امنیتی انتظامی وزارت کشور در گفت‌وگو با سایت خبری تسنیم در آذر ۱۳۹۵ می‌گوید که «اعتراضات اجتماعی، کارگری و صنفی در سه سال اخیر با افزایشی ۶۹ درصدی روبه‌رو شده است» (خبرگزاری تسنیم)<sup>۲</sup>. این موارد نشان می‌دهد که نشان می‌دهد باید بررسی اعتراضات اجتماعی (و به ویژه کارگری را به اعتبار آمار و ارقامی که درباره جمعیت ایشان و نسبت آن با فقر دادیم) سال ۹۶ را در حکم یافته‌ای ببینیم که می‌توان از خلال آن به بحث و گمانه‌زنی پیرامون افق پیش‌روی جامعه‌ی ایران پرداخت و سیاست‌های اجتماعی‌ای را تجویز و اجرا کرد که یا به شکافی ترمیم ناشدنی و فروپاشی اجتماعی می‌انجامد و یا می‌تواند ترمیم‌کننده‌ی بی‌اعتمادی اجتماعی فزاینده‌ی منتج از این آمارهای خیره‌کننده باشد.

بر این اساس در پژوهش توصیفی حاضر می‌کوشیم تا علل اعتراضات کارگران را از خلال اخبار و گزارش‌های رسمی و غیررسمی بررسی کنیم و با دسته‌بندی آن، زمینه‌ای فراهم کنیم تا با مرور یک روند تاریخی بتوان در کی از آینده‌ی پیش‌رو داشت و تبیینی از ریشه‌های اعتراضاتی که مستعد بدل شدن به «خیزش‌های موقت» و یا اعتراضات دامنه‌دار و گسترده‌تر هستند به دست دهیم.

برای این منظور در آغاز، مرور مختصری بر روند اعتراضات کارگری در ایران پس از انقلاب خواهیم داشت. سپس می‌کوشیم تا معنای مفاهیمی که در یک گزارش توصیفی استفاده می‌شود را روشن کنیم؛ و در نهایت با توضیح روش گردآوری داده‌ها و توصیف آن‌ها، به موانعی که بر سر راه پژوهشی از این دست بوده است اشاره کنیم و محدودیت‌های استناد به موارد مندرج در این گزارش را برشماریم.

۱. نک به: زیر پوست شب، جنبشی در اعماق می‌تپد:

<http://etehadbinalmelali.com/ak/karegaran-94-2/>

گزارشی از اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۵:

<http://etehadbinalmelali.com/ak/10-02-96-2/>

۲. خبرگزاری تسنیم به نشانی [www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com)، کد خبر: ۱۲۶۴۲۱۰، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۹/۲۱

## راه طی شده: مرور مختصر روند اعتراضات کارگری در ایران پس از انقلاب

### دههی اول انقلاب: از «شوراهای کارخانه» تا «شوراهای اسلامی»

هرچند که حضور کارگران در مبارزات یک-دو سال منتهی به انقلاب چندان چشمگیر نبود، و برجسته‌ترین مورد فقط به مبارزات کارگران شرکت نفت در ماه‌های پایانی سال ۱۳۵۷ برمی‌گشت، اما با پیروزی انقلاب به سبب گرایش‌ات چپ‌گرایانه‌ی بخش قابل توجهی از گروه‌های حاضر در انقلاب (اعم از مارکسیست و اسلام‌گرا)، همه جا صحبت از حقوق کارگران و ضرورت تکریم ایشان بود. از طرفی در آستانه‌ی پیروزی انقلاب، بسیاری از مدیران، کارخانه‌ها را رها کرده بودند، و کنترل این کارخانه‌ها به دست کارگران افتاده بود. عمده‌ی این کنترل‌های کارگری مربوط به صنایع شد. اما کمیته‌های کارگری اداره‌کننده، فاقد یک هدف سیاسی مشخص و واضح بودند؛ و لذا توانایی تبدیل شدن به نیروی تغییر دهنده‌ی وضعیت اجتماعی را از دست دادند (نک به: رهنما، «سازمان‌دهی طبقه‌ی کارگر: درس‌های گذشته و راه‌های آینده»).

### نگاهی به جنبش کارگری در مقطع انقلاب

آصف بیات در مقاله «کارگران و انقلاب در ایران»، به صورت مشروح و مستند مواجهه‌ی طبقاتی میان کارگران و حکومت پس از انقلاب را در دهه‌ی اول، به چهار دوره تقسیم می‌کند (بیات، مه ۲۰۱۱: ۱۲۸-۱۲۹):

۱. بهمن ۱۳۵۷ - مرداد ۱۳۵۸:

▲ ادامه و پیگیری مبارزات انقلابی توسط طبقه‌ی کارگر پس از انقلاب، برپا ساختن جنبش مستقل از، و بعضاً به شکل مستقیم، در مقابل رهبران انقلاب.

▲ بحران مشروعیت روابط سرمایه‌داری.

▲ بی‌ثباتی دولت تازه به قدرت رسیده.

▲ در نتیجه، و بنا به دلایل بالا، پیدایش یک موقعیت مادی و عینی برای کنترل کارگری از طریق سازمان‌دهی شوراها.

۲. شهریور ۱۳۵۸ - تیر ۱۳۶۰:

▲ بازگشت روش‌مند و از پیش برنامه‌ریزی شده‌ی مدیران از بالا به مجتمع‌های صنعتی

▲ در نتیجه تضعیف تدریجی نهادهای شورایی به مثابه‌ی تشکل‌های مؤثر در امر بنا نهادن کنترل کارگری.

▲ تغییر ماهیت خصلت مبارزاتی کارگران از نوع پیش‌رونده و تهاجمی به مبارزات و جنبش‌های دفاعی برای حفظ دستاوردهای دوران قیام.

۳. خرداد ۱۳۶۰ - خرداد ۱۳۶۱:

▲ تثبیت اعمال قدرت هر دو «مدیریت مکتبی» [جناح راست اسلام‌گرا] و «انجمن‌های اسلامی» [جناح چپ اسلام‌گرا] در کارخانه‌ها.

▲ میلیتاریزه شدن کارخانه‌ها و هجوم به دستمزدهای واقعی و از پیش تعیین شده‌ی کارگران.

▲ ممنوع کردن تشکیل شوراها، حتی شوراهای طرفدار دولت، تا اطلاع ثانوی.

۴. خرداد ۱۳۶۱ - مرداد ۱۳۶۸:

▲ علنی شدن شکاف راست و چپ اسلام‌گرایان حاضر در قدرت و تبلور این شکاف در قالب تنش میان مدیران صنایع راست اسلامی با مجموعه‌ی انجمن‌های اسلامی.

نگاهی به چهار دوره‌ی مذکور و مجموعه اتفاقاتی که در هر دوره افتاده حاکی از آن است که تعویض استراتژی‌ها و تاکتیک‌های منازعات در گرفته، حول محور «قانون کار» می‌چرخیده است: بحث‌هایی نظیر آنکه دستمزدهای پایه چقدر باشد تا حق تشکیل شوراهای کارگری و تا نوع مدیریت و اداره‌ی کارخانه‌ها.



برای تدوین قانون کار اسلامی، وزارت کار و امور اجتماعی از گروه‌های مختلفی نظر خواهی کرد که به طرق مختلف در مسائل کار و کارگری ذی‌نفع بودند. کمیته‌های خاصی در وزارت کار تشکیل شد تا در موضوعات مختلف حقوقی و اقتصادی پیرامون قانون کار بررسی لازم را به عمل آورند. این روند به تهیه پیش‌نویس قانون کار در سال ۱۳۶۰ منجر شد. وزارت کار پیش‌نویسی تهیه کرد که در روزنامه کیهان سه‌شنبه ۳۰ آذر ماه ۱۳۶۱ منتشر شد. در این متن که با عنوان «طرح پیش‌نویس قانون کار» منتشر شد، مبنای رابطه کارگر و کارفرما (یا به اصطلاح آن متن کاربر کارپذیر و صاحب کار) توافق میان طرفین تعیین شده بود. این قانون رابطه کارگر و کارفرما را همان رابطه اجیر و موجر می‌دانست که براساس احکام اولیه فقه اسلامی در چارچوب قرارداد خصوصی میان طرفین تنظیم می‌شود. در این پیش‌نویس هر نوع دخالت دولت در روابط کار و الزام یک طرف - یعنی کارفرما - را به تبعیت از شرایط قانونی، موافق موازین شرع نمی‌دانست. حقوق کارگران و ساعت‌های کار آنان در این پیش‌نویس با توافق کارفرما و کارگر تعیین شده بود. این قانون پیشنهاد احمد توکلی، وزیر کار دولت وقت و همتایان مؤتلفه‌ای وی بود. تلاش ناموفق برای اعمال این قانون در واقع به سبب باور این جناح به نفوذ اندیشه‌های چپ گرایانه‌ی حزب توده در رویکرد نخست وزیری به «روابط کار» داشت. سرانجام پیش‌نویس چهارم که نام «لایحه کار» را بر خود داشت در مجلس تصویب شد اما شورای نگهبان آن را غیراسلامی تشخیص داد و از تأیید آن امتناع کرد. پس از تشکیل مجمع تشخیص مصلحت، بررسی و تصویب قانون کار به آن سپرده شد و این اولین دستور کار مجمع تشخیص مصلحت بود. پس از این لایحه کار مدت نزدیک به ۱۶ ماه در کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس بررسی شد و تغییراتی در آن به نفع کارگران داده شد. گزارش کمیسیون در شهریور ۱۳۶۵ به مجلس ارائه شد و کلیات آن در مهرماه به تصویب مجلس رسید. پس از آن، یک سال دیگر در کمیسیون یاد شده به عنوان کمیسیون اصلی و چند کمیسیون فرعی بررسی شد و سرانجام، برای شور دوم به مجلس فرستاده شد. مجلس طی ۱۶ جلسه درباره لایحه کار بحث کرد و در ۲۸ آبان ۱۳۶۶ آن را تصویب و برای اظهار نظر به شورای نگهبان فرستاد.

شورای نگهبان ایرادهای بسیاری بر متن مصوب مجلس وارد کرده بود. اصلی‌ترین

ایراد شورای نگهبان به ماده یک این قانون بود که کلیه کارفرمایان، کارگران، کارگاه‌های مؤسسات تولیدی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی را که به هر نحو از امکانات دولتی مثل ارز، انرژی، مواد اولیه و اعتبارات بانکی استفاده می‌نمایند به تبعیت از این قانون مجبور می‌کرد. با آغاز دوره سوم مجلس و پیگیری دوباره موضوع، در آخر آذرماه ۱۳۶۷ قانون کار در مجمع مطرح شد. ولی مجمع با ذکر این نکته که «لایحه مذکور مراحل مقرر در ماده ۱۰ آئین‌نامه داخلی مجمع را طی نکرده است و نیز با توجه به اظهارات بعضی از فقهای شورای نگهبان مبنی بر قابل رفع بودن بسیاری از ایرادات در مجلس ...» مصوبه را به مجلس برگرداند. از این زمان تا تصویب نهایی قانون کار در آبان سال ۶۹، این طرح بارها مورد بحث و بررسی شورای نگهبان و مجلس و ... قرار گرفت و سرانجام، به مجمع مجلس تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد. طی سال ۱۳۶۹ و تا پایان آبان ماه آن سال، مصوبه طی جلسه‌های متعدد در مجمع بررسی شد و مشتمل بر ۲۰۳ ماده و ۱۲۱ تبصره در ۲۹ آبان ۱۳۶۹ به تصویب نهائی مجمع رسید. بدین ترتیب قانون کار پس از انتشار در روزنامه رسمی مورخ ۲۸ بهمن ماه از تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۶۹ لازم‌الاجرا شد (صفرزاده، «تاریخچه قانون کار در ایران»<sup>۱</sup>).

با وجود آنکه از پیش از انقلاب سندیکاهای کارگری بسیاری وجود داشتند و در اوایل انقلاب هم در بسیاری از کارخانه‌ها و مجتمع‌های تولیدی کارگران اقدام به تشکیل شورا و اتحادیه کرده بودند، اما تمامی این تلاش‌ها تحت تأثیر جو سیاسی و ملتهب سه ساله‌ی ۱۳۶۰-۱۳۵۷ و سراسر دهه‌ی ۱۳۶۰ منحل و غیرقانونی اعلام شدند. همچنان که در بالا ذکر شد، این وضعیت هم‌زمان با ارائه لوایح قانون کار جدید و تصویب «قانون شوراهای اسلامی کار» بود. با تصویب این قانون، شوراهای اسلامی کار جایگزین سندیکاهای پیشین شد و این شوراها منحصراً تنها تشکل رسمی در دهه‌ی شصت تا تصویب قانون کار جدید در سال ۱۳۶۹ بودند. در تبصره‌ی چهارم از ماده‌ی ۱۳۱ این قانون تصویب شده است که «کارگران یک واحد، فقط می‌توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشند». بنابراین به صورت کلی این قانون مخالف تشکیل آزادانه‌ی سازمان‌های کارگری است و فقط انواع خاص و پیش‌بینی شده‌ای از این سازمان‌ها را با قوانین، اساسنامه‌ها و شرایط عضویت و انتخاب خاص برمی‌تابد (خیراللهی، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۹).

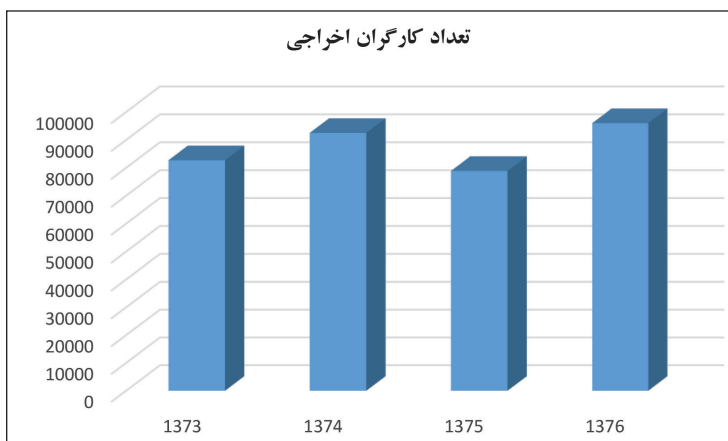
۱. صفرزاده، هاله. (۱۳۹۰)، «تاریخچه قانون کار در ایران»، قابل دسترسی در: [http://www.ofros.com/gozareh/safarzade\\_tghkar.htm](http://www.ofros.com/gozareh/safarzade_tghkar.htm)

در متن قانون کار سال ۱۳۶۹ کلمه‌ی «اعتراض» یا واژگان و اصطلاحاتی نظیر «اعتصاب»، «تجمع»، «دست کشیدن از کار»، «تحصن» و نظایر آن‌ها - به طریق اولی - نیامده است. تنها جایی که با تفسیر تأویل می‌توان گفت قانون‌گذار به تلویح برای کارگران حق استفاده از اهرم‌های فشار جمعی را به منظور دستیابی به حقوق پیش‌بینی کرده است، به ماده‌ی ۱۴۲ فصل مذاکرات و پیمان‌های دسته‌جمعی بازمی‌گردد. در این ماده آمده است: «در صورتی که اختلاف نظر در مورد مواد مختلف این قانون و یا پیمان‌های قبلی و یا هر یک از موضوعات مورد درخواست طرفین برای انعقاد پیمان جدید، منجر به تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران شود، هیئت تشخیص موظف است بر اساس درخواست هر یک از طرفین اختلاف و یا سازمان‌های کارگری و کارفرمایی، موضوع اختلاف را سریعاً مورد رسیدگی قرار داده و اعلام نظر نماید.» بنابراین به نظر می‌رسد اعتصاب، تجمع، تحصن و یا کلاً اعتراض کارگری ذیل عنوان میهم «تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه» و «کاهش عمدی تولید از سوی کارگران» به تفسیری سلبی از منظر قانون‌گذار پذیرفته شده است و بنابراین غیر قانونی تلقی نمی‌شود (همان: ۷۳).

همچنان که دیگر پژوهشگران حوزه‌ی «روابط کار» هم اذعان داشته‌اند (نک: خیراللهی، ۱۳۹۷: ۷۴) برای بررسی میزان شیوع «تجمعات اعتراضی» کارگران ایران و نسبت دلایل مختلف بروز آن‌ها، آمار مدونی به صورت رسمی و قابل دسترس اساساً وجود ندارد و تنها می‌توان با اتکا به آرشیو روزنامه‌ها، سایت‌های خبری و یا اظهارات شفاهی افراد به اعدادی رسید و درباره کیفیت آن‌ها به گمانه‌زنی پرداخت. به این اعتبار از مجموع اعتراضات کارگری در دهه‌ی شصت و هفتاد اطلاعات بسیار کمی در دست است.

## دهه دوم انقلاب: از شورش‌های اسلامشهر تا کارگران نفت تهران

طی دهه‌ی ۱۳۷۰ اخراج کارگران سیر صعودی داشت. موج بیکارسازی‌های در سال‌های ۷۱ و ۷۲ به اوج خود رسید. به گفته پرویز احمدی - رئیس وقت هیئت مدیره شوراهای اسلامی استان تهران - تعداد اخراج کارگران در سال‌های ۷۳، ۷۴، ۷۵ و ۷۶ به ترتیب ۸۲۷۲۱، ۹۲۴۹۷، ۷۸۸۸۸ و ۹۶۰۰۰ نفر بوده است (روزنامه «کار و کارگر»، ۱۱ بهمن ۱۳۷۷).



این در حالی‌ست که در بنگاه‌های تولیدی حتی به قانون «شوراهای اسلامی کار» هم وقعی گذاشته نمی‌شد:

«به گفته شاکری، عضو شورای اسلامی استان لرستان "به دلیل عدم موافقت مدیران بیش از نیمی از کارگران واحدهای تولیدی استان لرستان فاقد شورای اسلامی کار هستند" (روزنامه «کار و کارگر»، ۲۸ بهمن ۱۳۷۶).

در چنین اوضاع و احوالی وزارت کار در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۵ بخش‌نامه‌ای صادر کرد که طبق آن استخدام موقت کارگران جنبه قانونی و رسمی پیدا کرد، و از آن موقع تا به اکنون به جایی رسیده‌ایم که بنا به گفته‌ی علی‌اصلاحی عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار - «از ۱۳ میلیون کارگر شاغل در کشور، ۱۱ میلیون نفر دارای قرارداد موقت هستند» (خبرگزاری [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، کد خبر: ۹۶۱۱۰۸۰۴۶۹۲، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۱۱/۹) و بنا به گفته‌ی مصطفی ظریفی‌آزاد - مدیر کل روابط کار وزارت کار - نزدیک به ۹۴ درصد قراردادهای «موقت» هستند (خبرگزاری [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)، کد خبر: ۶۲۱۶۸۹۵، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۶/۲).

اولین گزارش رسمی که از یک اعتراض کارگری جدی پس از پایان جنگ داریم، به اعتراض رانندگان مینی‌بوس اسلام‌شهر در پانزدهم فروردین سال ۱۳۷۴ برای اعتراض به وضعیت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. فقدان وسیله نقلیه عمومی برای رفتن به سر کار مورد اعتراض عده‌ای از مردم جنوب غرب تهران، در اکبرآباد و اسلام‌شهر قرار گرفت اما نارضایتی‌های موجود درباره کمبود بنزین و افزایش ۳۰ درصدی کرایه حمل و نقل باعث شد طی چند ساعت تظاهرات بزرگی با حضور تعداد زیادی از شهروندان به پا شود که دامنه آن به رباط کریم، سلطان‌آباد و صالح‌آباد نیز رسید. سیل جمعیت در برخی از بخش‌های شهر و به خصوص در مسیر حرکت به سمت تهران اقدام به تخریب ساختمان‌های دولتی و زد و خورد با نیروهای بسیج و سپاه کردند و موفق شدند جاده تهران - ساوه را مسدود کنند.

اما این وضعیت دیری نپایید و قرارگاه ثارالله در اولین عملیات خود از زمان تشکیل آن در همان سال، به عنوان مسئول حفظ امنیت پایتخت، معترضین را در ورودی تهران و در منطقه چهاردانگه، با استفاده از سلاح جنگی متوقف کرد.

دومین اعتراض قابل توجه اعتراض کارکنان شرکت نفت بود که پس از اعتراض معروف تابستان ۱۳۵۷ که نقش چشمگیری در سرنگونی رژیم وقت داشت، بار دیگر در سال ۱۳۷۵ دست به اعتصاب بزرگی زدند و در جریان این اعتصاب نمایندگان خود را از چند شهر انتخاب کردند و علاوه بر خواسته‌های رفاهی، تقاضای تشکلهای مستقل کارگری را نیز در آن مطرح کردند. این



اعتصاب شدیداً سرکوب شد اما از آنجا که کارگران نفت به دلیل کلیدی بودن این صنعت و همچنین داشتن تاریخچه طولانی مبارزات کارگری، به طور سنتی تأثیر بزرگی بر روی سایر بخش‌های کارگری داشتند، این اعتصاب بسیاری از کارگران را با ایده ایجاد تشکل‌های کارگری آشنا ساخت.

یدالله خسروشاهی (کارگر و همچنین از رهبران مبارزات کارگران نفت در پیش و پس از انقلاب) در مصاحبه‌های مفصلی که به ذکر تاریخ شفاهی اعتراضات این کارگران پرداخته است، به زمینه‌های این اعتراض گسترده از اواخر سال ۱۳۶۹ تا نقطه‌ی اوج سال ۱۳۷۵ اشاره کرده است. به سبب اهمیت این اعتراض در تاریخ اعتراضات کارگران ایران بعد از انقلاب و تأثیری که بر جریان‌های اعتراضی کارگری پس از خود (به ویژه آغاز دهه‌ی هشتاد و شکل‌گیری «هیأت بازگشایی و تأسیس سندیکا‌های کارگری») گذاشت، بخشی از مصاحبه‌ی خسروشاهی را از نظر خواهیم گذراند:

«... در سال‌های ۷۰-۱۳۶۹ حرکت‌هایی انجام گرفت که به دنبال آن ۲۰۰۰ تومان به حقوق‌ها اضافه شد. در سال ۱۳۷۲ بچه‌ها در اکثر پالایشگاه‌ها -در شیراز، اصفهان، تهران و تبریز- مدت یک ماه و اندی یک وعده غذای سرکارشان را به عنوان اعتراض نمی‌خوردند. بعد از آن هم چند روزی دست از کار کشیدند ... آرام آرام از سال ۱۳۷۱ زمزمه‌هایی جهت تشکیل شورای کارگری به گوش می‌رسید ... تا سال ۱۳۷۵ که این زمزمه‌ها شکل قطعی و مادی به خود گرفت. در این سال دور هم به صورت علنی جمع شدیم و آشکارا انتخاباتی برای تشکیل شورا برپا کردیم. بنابراین جمع شدن بچه‌ها در سال ۱۳۷۵ برمی‌گردد به همان زمزمه‌های سال‌های ۷۲-۷۱ ... یکی از خواسته‌های کارگران در سال ۱۳۷۵ مربوط به طرح طبقه‌بندی مشاغل بود. طرح طبقه‌بندی مشاغل قبلاً تصویب شده بود. هر سال هم بودجه برایش تعیین می‌شد ولی به کارکنان چیزی نمی‌دادند. این مسئله برای بچه‌ها سؤال شده بود که این بودجه نصیب چه کسانی می‌شود. کم‌کم زمینه‌هایی به وجود آمد و شعارهایی روی در و دیوار نوشته شد. حتی نوشته می‌شد برای اعتراض، فلان روز نهار خورده نشود. تا اینکه در مرداد ۱۳۷۵ عده زیادی از کارکنان پالایشگاه تهران و

کارگران قسمت‌های دیگر نفت تهران - خطوط لوله، پخش، تأسیسات و غیره - اول جلوی خانه کارگر جمع شدند و بعد به طرف اداره‌ی مرکزی راهپیمایی کردند. در آن‌جا آقازاده (وزیر نفت)، معاونش علی هاشمی و دیگر آقایان آمدند و صحبت کردند که به ما یک فرصتی بدهید. اما آن مدتی که خودشان مهلت خواسته بودند تمام شد و آن‌ها هیچ کاری نکردند. بعد از آن بچه‌ها تصمیم گرفتند تشکل خودشان را درست کنند. نام آن هم «شورای کارگران پالایشگاه تهران» بود» (کتاب پژوهش کارگری، شماره ۵، ۲۰۰۱: ۲۱-۲۳).

انتخابات بعد از کارشکنی‌هایی در «خانه کارگر» برگزار می‌شود و از میان کسانی که کاندید شدند، ۵ نفر به عنوان نماینده انتخاب می‌شوند. از کل صنایع نفت هم ۲۰ نفر به عنوان نماینده انتخاب می‌شوند و در وهله‌ی اول همه‌ی آن ۵ نفر مورد تأیید وزارت کار هم قرار می‌گیرند اما حراست وزارت نفت نه تنها آن‌ها را تأیید نمی‌کند، بلکه تحت فشارشان هم قرار می‌دهد تا استعفا دهند. بار دیگر بنا می‌شود انتخابات تجدید شود. در جلسه‌ای که در رستوران پالایشگاه تهران برگزار می‌شود و نمایندگان از حراست کل تا وزارت کار حضور دارند، کارگران با مشاهده‌ی اینکه بناسست نمایندگانی را به ایشان تحمیل کنند، جلسه را بهم می‌ریزند. سرانجام در روز ۲۸ بهمن ۱۳۷۵ در حالی که کارگران از پیش توافق کرده بودند برای اعتراض جلوی اداره مرکزی نفت واقع در خیابان طالقانی بروند و بسیاری از کارگران از شهرستان آمده بودند، تجمعی با حضور نزدیک به ۲۰۰۰ نفر شکل می‌گیرد. وزیر، این‌بار تجمع‌کنندگان را به رسمیت نمی‌شناسد و در برای پاسخ‌گویی در برابرشان حاضر نمی‌شود و سرانجام با دخالت نیرو انتظامی و ... کار به ضرب و شتم معترضان می‌کشد (نک به: همان: ۲۴-۲۶).

در همین دوران است که کمیته‌هایی برای حمایت از ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری به وجود آمد و بحث ضرورت به وجود آمدن تشکل‌های مستقلی که بتوانند از خواسته‌های کارگران دفاع کنند، در بعضی از مطبوعات کارگری نیز مطرح شد.

از جمله اعتراضات شناخته شده‌ی دهه‌ی ۷۰ (به ویژه در نیمه‌ی دوم سال)

می‌توان به این موارد اشاره کرد:

○ راهپیمایی کارگران کارخانجات مختلف در کاشان بر علیه طرح فروش بیمارستان ۴۲۰ تخت‌خوابی سازمان تأمین اجتماعی.

○ اعتراض ۲۵۰۰ کارگر نساجی قائم شهر مازندران که به گروگان گرفتن مدیر کارخانه می‌انجامد (۱۳۷۸).

○ اعتصاب کارگران فرش مازندران علیه اخراج ۲۶۰ کارگر این کارخانه.

○ اعتصاب کارگران کارخانه ارج در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد، پاداش و عیدی.

○ تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه آبادان در کارگاه مرکزی علیه خصوصی کردن بیمارستان شرکت نفت.

○ اعتراض کارگران نازپوش انزلی و مسدود نمودن پل اصلی غازیان.

○ اعتراض کارکنان شرکت ملی حفاری ایران (۱۳۷۹).

○ اجتماع کارگران کفش ملی در اعتراض به سوء مدیریت و عدم دریافت حقوق و مزایا (۱۳۷۹).

○ اعتصاب و اعتراض چندین روزهی کارگران شرکت علاءالدین (۱۳۷۹).

○ اعتراض کارگران کارخانه سیمین اصفهان (اسفند ۱۳۷۹).

مبتنی بر بررسی‌های جلیل محمودی، پژوهشگر حوزه اعتراضات کارگری در خصوص ویژگی‌های اعتراضات کارگران در دهه‌ی ۱۳۷۰ (نک به: کتاب پژوهش کارگری، شماره ۳، ۱۹۹۹: ۲۲-۲۵) می‌توان ویژگی‌های این اعتراضات را به این شرح برشمرد:

۱. همه‌ی این اعتراضات به صورت غیرقانونی و بدون وجود یک سازمان کارگری مجاز صورت گرفته‌اند.

۲. اعتراضات کارگری جنبه‌ی دفاعی و واکنشی داشته و اکثراً برای جلوگیری



از اخراج‌ها، تعطیلی کارخانه‌ها، پرداخت به موقع دستمزدها و لغو قراردادهای موقت کار بوده است.

۳. روحیه‌ی همبستگی قابل توجهی در اعتراضات کارگران به چشم می‌خورد. برای مثال کارگران استان تهران، همکاران خود را تنها نگذاشتند و یک روز از دستمزد خویش را به آن‌ها اختصاص دادند (نک به: روزنامه‌ی «کارو کارگر»، ۱۳۷۷/۱۱/۱۲).

۴. تحصن، راهپیمایی و بستن جاده‌ها و راه‌ها شیوه‌ی رایج اعتراض کارگران بوده است. به نظر می‌رسد کارگران پی برده‌اند که اگر اعتراض‌شان به درون کارخانه محدود بماند، کارفرمایان راحت‌تر از رسیدگی به مطالبات ایشان طفره می‌روند.

۵. در مجموع اعتراضات کارگران به شدت پراکنده است و در جریان کنش‌های اعتراضی حتی در مجموعه‌ی کارگران یک صنعت در یک شهر هم اتحاد قابل توجهی دیده نمی‌شود.

## دهه‌ی سوم انقلاب: ایجاد و احیای سندیکاهای کارگری

بر اساس داده‌های یک گزارش استثنایی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طی بهمن و اسفند سال ۱۳۸۰ در کل کارگاه‌های کشور به ترتیب ۴۸ و ۴۳ «تحرک کارگری» رخ داده است. در این گزارش مشخص شده است که تعداد تحرکات کارگری با اندازه‌ی بنگاه رابطه‌ی مستقیم دارد و بیش‌ترین تحرکات کارگری در کارگاه‌هایی بوده است که بیش از صد نفر «کارکن» داشته‌اند. همچنین این گزارش مشخص می‌کند که اصلی‌ترین علت بروز ناآرامی‌های کارگری در این مقطع زمانی «عدم پرداخت حقوق و مزایا» بوده است. در میان اشکال مختلف «بحران‌های کارگری» (به تعبیر نویسنده‌ی گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) «تجمع» بیش‌ترین فراوانی را داشته و «اعتصاب» و «درگیری» و «اعتراض» به ترتیب در رده‌های بعدی بوده‌اند (خیراللهی، ۱۳۹۷: ۷۵).

مالجو در مقاله‌ای مستند به آمار این گزارش، با بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی و رسیدن به این نتیجه که اوضاع اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۰ در بهترین شرایط نسبت به این نتیجه که اوضاع اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۰ در بهترین شرایط نسبت به قبل و بعد از آن بوده است، چنین استدلال می‌کند: «تحرکات کارگری در این دو ماه سرشتی عمیقاً تدافعی داشت، یعنی [کارگران] در بهترین حالت فقط در پی دریافت حقوق معوقه یا مطالباتی حداقلی از این نوع بود[ند] و نه تحقق مطالبات بنیادی‌تری که شرایط زندگی و کاری کارگران را به طور ریشه‌ای دگرگون سازد» (همان).

در زمستان سال ۱۳۸۲، کارگران ساختمانی در اعتصاب و تحصن در کارخانه ذوب مس در نزدیکی روستای خاتون آباد استان کرمان شرکت کردند. این کارخانه متعلق به صنایع ملی مس ایران بود که توسط یک پیمانکار چینی اداره می‌شد. شکایت کارگران ساختمانی در مورد وعده انجام نشده کارخانه در مورد استخدام آنها پس از تکمیل ساختمان کارخانه بود. خانواده‌های

کارگران به تحصن پیوستند. در روز هشتم اعتصاب و تحصن، نیروهای امنیتی به اعتصاب‌کنندگان و خانواده‌های متحصن آنها در کارخانه حمله کردند. در این حمله و درگیری‌های متعاقب آن، چهار کارگر به ضرب گلوله کشته شدند، ۳۰۰ تن زخمی، و بسیاری بازداشت شدند. این اعتراضات در اذهان عمومی کارگران به «قیام خاتون آباد» شهره گشت.

اما اوضاع و احوال اعتراضات کارگری در ادامه چهره‌ی دیگری به خود می‌گیرد. در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۱ در جریان تدارک مراسمی برای روز جهانی کارگر از سوی عده‌ای از فعالان کارگری در تهران، صدها تن در قالب قطعنامه‌ای اعلام می‌دارند که «خواهان رفع ممنوعیت از فعالیت سندیکاهایی که سابقه‌ی روشن و درخشان چندین ساله از مبارزات صنفی و دفاع از حقوق کارگران را داشته و به صورت غیرقانونی از فعالیت منع گردیده‌اند» هستند. به این ترتیب «هیأت‌های مؤسس انجمن‌ها و سندیکاهای کارگری» پایه‌گذاری شدند. پس از این اعضای هیأت مؤسس کوشیدند با انتشار نامه‌ای سرگشاده به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۲ خطاب به وزیر کار وقت (صفدر حسینی) بر ضرورت به رسمیت شناختن سندیکاهای کارگری مبتنی بر التزام کلیه‌ی دولت‌ها به دو مقاله‌نامه‌ی ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار (در ارتباط با آزادی تشکل‌های کارگری) هرچه بیشتر زمینه‌های قانونی فعالیت سندیکاهای کارگری را فراهم کنند. در این بین «حزب اسلامی کار» و «خانه‌ی کارگر» به مخالفت‌های جدی با باز شدن امکان فعالیت برای «هیأت مؤسس» و سندیکاهای کارگری پرداختند و سعی کردند به کارشکنی و اتهام‌زنی نسبت به ایشان در مطبوعات خویش بپردازند. با این وجود اما هیأت بازگشایی متکی به محدود امکاناتی که در اختیار داشت اقدام به برگزاری کلاس‌های متعدد آموزشی برای کارگران می‌کرد و از خلال همین آموزش‌ها هسته‌های اولیه‌ی بازگشایی سندیکاهای قدیمی‌ای چون «شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه»، «کارگران نقاش ساختمانی»، «فلز کار و مکانیک»، «کارگران خیاط» و «کفاشان تهران» شکل گرفتند.

با انتشار یک قطعنامه دیگر در روز کارگر ۱۳۸۳ و تأکید دوباره بر «حق تشکل مستقل کارگری» مبتنی بر مقاله‌نامه‌های بین‌المللی و نیز قانون اساسی کشور،

و نیز انتشار نامه‌ی سرگشاده‌ی دیگری به وزیر کار وقت (خالقی) به تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۳ خواستِ تشکل مستقل کارگری عینیت بیشتری به خود گرفت و اعضای «هیأت مؤسس» نشان دادند که در این راه ثابت قدم‌اند.

همچنان که گفته شد به مرور از دل این هیأت، هسته‌های سندیکاهای مختلف شروع به کار کردند. مهمترین و مؤثرترین تلاش‌ها مربوط به «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه» بود که از اواخر ۱۳۸۳ حسینیه‌ای را در محل انجمن صنفی خبازان واقع در میدان حسن‌آباد در اختیار گرفته و اقدام به برگزاری کلاس‌های آموزشی می‌کردند. پس از ماه‌ها فعالیت مستمر و ارتباط چهره‌به‌چهره، تعداد زیادی از رانندگان درخواست تشکیل سندیکا کردند. سرانجام در نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۴ امضاهای بسیاری از کارگران جمع‌آوری و به اداره‌ی کار تسلیم شد. جدی شدن مساله تشکیل سندیکا، باعث شد خانه‌ی کارگر و شوراهای اسلامی، مخالفت جدی و علنی خود را با این فعالیت نشان داده و به صورت عملی مانع فعالیت این سندیکا شدند که به درگیری‌هایی میان کارگران طرفدار سندیکا و این نهادها انجامید. پس از کش و قوس‌های فراوان، پافشاری و اصرار رانندگان باعث شد که با دستور شورای تأمین استان، شرایط برای انجام انتخابات فراهم شود و سرانجام با رأی کارگران ۱۹ نفر به عنوان هیأت‌مدیره و ۲ نفر به عنوان بازرس انتخاب شدند. عدم رسیدگی به خواسته‌های کارگران سبب شد که آنان برای دستیابی به خواسته‌ها و حل مشکلاتشان به اعتصاب متوسل شوند. اولین اعتراض روشن کردن چراغ‌های اتوبوس‌ها در تاریخ ۱۶ مهر ۸۴ بود. در جریان این حرکت، در روزی آفتابی چراغ‌های تعداد زیادی از اتوبوس‌های شرکت واحد در سطح تهران روشن شد که در جامعه بازتاب داشت و چند نفر از اعضای هیأت‌مدیره در همان روز در دفتر رئیس‌جمهوری حاضر شدند و مشکلات رانندگان را مطرح کردند. بی‌توجهی به این خواسته‌ها و اعتراض رانندگان، دومین اعتراض با فاصله‌ی پانزده روز به شکل نگرفتن بلیط از شهروندان شکل گرفت.

در این بین پس از سال‌ها معلمان به جرگه‌ی اعتراضات کارگری می‌پیوندند و در جریان تجمعی به تاریخ ۲۳ اسفند سال ۱۳۸۵ در برابر مجلس برای اعتراض به وضعیت حقوق و مزایای خویش، بیش از ۴۰۰ نفر از ایشان دستگیر

می‌شوند که دست کم ۹ نفر از بازداشت شدگان تا نوروز ۱۳۸۶ در زندان می‌مانند.

اعتراض مهم دیگر این دهه از حیث مطالباتی، اعتصاب کارگران شرکت ریسندگی پردیس سنندج با مطالبه‌ی ممنوعیت اخراج و لغو قرارداد موقت است که اواخر مرداد ۱۳۸۵ شکل می‌گیرد و پس از ۸ روز با حمله پلیس خاتمه می‌یابد.

در حالی که کارگران با قراردادهای یک ساله کار می‌کردند، ابتدا با مدت زمان ۶ ماهه، سپس ۳ ماه و در نهایت یک ماه برای امضای قرارداد مواجه می‌شوند. علی‌رغم تلاش کارگران برای گفتگو با کارفرمای شرکت جهت لغو این وضعیت نایمینی شغلی، تهدید به اخراج و معرفی به نیروهای اطلاعاتی معترضان از سوی کارفرما، کارگران را بر آن می‌دارد که ۳۱ خرداد دستگاه‌ها را خاموش کرده و شروع به اعتصاب کنند. با کوتاه آمدن کارفرما به امضای قرارداد ۲ ماه هرچند اعتصاب در روز دوم متوقف شد اما با عدم امضای قرارداد با نماینده کارگران معترض بار دیگر وضعیت ملتهب می‌شود و بار دیگر ۲۸ مرداد کارگران در اعلام همبستگی با نماینده‌شان دست به اعتصاب می‌زنند. تا روز چهارم اعتصاب علی‌رغم وعده‌ها و تهدیدها، کارگران دست از اعتصاب نمی‌کشند و با حمایت دیگر کارگران شهر سنندج مواجه می‌شوند (نساجی شین‌باف، پیروزباف، کاشی کسری، نیروگاه برق و...).

در جریان این اعتصاب کارگران مبادرت به تشکیل «کمیته اعتصاب» و «صندوق مالی» می‌کنند. سرانجام روز ۴ شهریور ۱۳۸۵ در حالی که کارگران تصمیم به بستن اتوبان برای ادامه‌ی اعتراضشان داشتند با برخورد گارد ضد شورش مواجه شدند و اعتصابشان پایان یافت.

اعتراض پراهمیت دیگر این دهه، به «کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه» برمی‌گردد که پس از نزدیک به دو سال سرخوردگی از وعده‌های مسئولین برای رسیدگی مشکلاتشان، سرانجام در تابستان ۱۳۸۷ به داخل شهر آمدند و شعارهایی نظیر «کارگر هفت‌تپه‌ایم / گرسنه‌ایم گرسنه‌ایم» سر دادند اما با برخورد نیروی انتظامی مواجه شدند. آنان که تحت فشار اقتصادی شدیدی بودند، جاده‌ی بین‌المللی شوش-اهواز را مسدود کردند و در نتیجه رفت و آمد این محور حمل و نقل مختل شد. با تداوم عدم رسیدگی به مطالبات کارگران



از تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۸۷ کارگران به مدت بیش از ۵۰ روز اعتصاب کردند. این وضعیت به برگزاری انتخاباتی در آبان ماه همان سال با کاندیداتوری ۷۲ نفر و شرکت ۱۱۰۰ کارگر از ۱۳۰۰ نفر منجر می‌شود و به این ترتیب سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه شکل می‌گیرد.

بهمن ماه ۱۳۸۸ نیز چهار تشکل مستقل کارگری (سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، اتحادیه آزاد کارگران و انجمن صنفی برق و فلز کار کرمانشاه) بیانیه‌ای تحت عنوان «منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران» را انتشار می‌دهند.

## دهی چهارم انقلاب: رکوردشکنی اعتراضات

در این سال کارگران پتروشیمی بندر امام ماهشهر طی ۷ ماه سه اعتصاب گسترده را سازماندهی کردند. در اعتصاب اول که از جانب کارگران پتروشیمی در تبریز صورت گرفت کارگران از ۷ اسفندماه ۱۳۸۹ به مدت ۱۰ روز دست به اعتصاب زده و بالاخره این اعتصاب با پاسخگویی به مطالبات کارگران پایان یافت که در این اعتصاب حدود ۱۵۰۰ کارگر شرکت داشتند. اعتصاب دوم در ۲۰ فروردین ۱۳۹۰ از جانب کارگران پتروشیمی بندر ماهشهر آغاز شد و به مدت ۱۱ روز ادامه یافت که کارگران مدیریت را وادار به پذیرش بخشی از خواسته‌های خود کرده و برای برچیدن شرکت‌های پیمانکاری در این واحد مهلتی سه ماهه به مدیریت دادند. اعتصاب سوم در مهر ماه با شرکت بیش از ۶۰۰۰ نفر به دنبال پایان مهلت مقرر و پس از حدود ۶ ماه کشمکش میان مدیریت و کارگران پتروشیمی بندر ماهشهر صورت گرفت و کارگران برخواست خود مبنی بر برچیدن شرکت‌های پیمانکاری و انعقاد قراردادهای دسته جمعی کار پافشاری کردند<sup>۱</sup>.

این مهمترین اعتراض کارگران در بعد از انقلاب به «موقتی‌سازی قراردادهای» و «برچیدن شرکت‌های پیمانکار» بود که توأم شدن آن با موفقیت کارگران جایگاه ویژه‌ای به این اعتصاب می‌دهد.

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ حدود ۲ هزار نفر از نی‌بُران شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر از کار بیکار شده و دست به اعتراض می‌زنند.

دی ماه ۱۳۹۱ حدود ۱۲۰۰ کارگر «کارخانه نورد لوله صفا» در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه معوقات خود برای مدت چندین روز دست به اعتصاب می‌زنند.

۱. نک به:

اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر در گفتگو با یک فعال کارگری، قابل دسترسی در:

<http://b-pak.org/11/2012>

مبارزه کارگران پتروشیمی و اصلاحیه قانون کار در گفتگو با بهروز خباز، قابل دسترسی در:

<http://b-pak.org/01/12/2012>

۱۴ آذر ۱۳۹۱ رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اقدام به جمع آوری ۲۰۰۰ امضاء در سطح شرکت واحد جهت اعتراض به لایحه‌ی اصلاح قانون کار می‌کنند.

در سال ۹۲ هم اعتراضات به همین منوال ادامه پیدا می‌کند و سه اعتصاب معادن چادرملوی اردکان در سال ۱۳۹۲ را شاید بتوان نقاط عطفی در تاریخ اعتصابات کارگری پس از انقلاب دانست:

ابتدا ۶ آذر ۱۳۹۲ حدود ۸۰۰ نفر از کارگران معدن «چادرملو» در اردکان در اعتراض به دستمزدهای ناعادلانه و همچنین اخراج رئیس نهاد کارگری این معدن بیش از یک ساعت دست از کار کشیده و تجمع کردند. پس از حضور کارفرما در جمع کارگران متحصن و طرح وعده‌هایی برای حل مشکلات صنفی کارگران، این اعتراض صنفی به طور موقت خاتمه یافت.

۱۵ آذر ۱۳۹۲ نزدیک به بیش از ۲ هزار کارگر معدن چادرملو در واکنش به اخراج «بهرام حسنی‌نژاد» دبیر تشکل کارگری این شرکت پیمانکاری دست به اعتصاب می‌زنند که تا ۱۸ آذر ادامه می‌یابد. در جریان این اعتصاب جمعی از فعالان کارگری معادن شهرستان بافق با ارسال نامه‌ای به نماینده اردکان در مجلس، به حمایت از اعتصاب کارگران معادن چادرملو پرداختند.

در ۸ بهمن ۱۳۹۲ بار دیگر بیش از ۲ هزار نفر از کارگران در واکنش به حکم اخراج نماینده صنفی‌شان به میان می‌آیند و دست از کار می‌کشند. تا روز ششم اعتصاب تعداد بازداشتی‌ها به ۲۸ نفر می‌رسد اما کارگران همچنان به اعتصاب‌شان ادامه می‌دهند. سرانجام مقاومت کارگران نتیجه می‌دهد و ۱۵ اسفند ۱۳۹۲ وکیل عضو اخراجی انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس (پیمانکار نیروی انسانی معدن چادرملو) از توافق شفاهی با این شرکت پیمانکاری برای بازگشت به کار موکلش خبر می‌دهد.

این اعتصاب دست کم از سه نظر اهمیت داشت:

اول) دست گذاشتن آشکار کارگران بر ظرفیت‌های قانون کار برای «قانونی نشان دادن» اعتراض‌شان (ماده ۱۳۱ قانون کار).

دوم) ایستادگی در حمایت از نماینده‌شان (که مصداق «یکی برای همه و همه برای یکی» بود).

سوم) تجلی همبستگی کارگری به اعتبار حمایت کارگران معادن بافق از کارگران چادرملو.

اما سال ۹۳ با دو اعتصاب طولانی کارگران بافق آغاز می‌شود:

### اعتراضات در معدن سنگ آهن بافق: نه به خصوصی‌سازی

کارگران سنگ آهن بافق که پیش‌تر هم سابقه‌ی اعتراض نسبت به خصوصی‌سازی معدن‌شان را داشتند (۱۳۷۹) این‌بار از ۲۷ اردیبهشت در اعتراضی گسترده‌تر به خصوصی‌سازی شرکت دست از کار می‌کشند. سرانجام در ۴ تیر ۱۳۹۳ با لغو مصوبه خصوصی‌سازی معدن و دستیابی کارگران به بخش مهمی از مطالباتشان کارگران، اعتصاب بیش از ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن مرکزی بافق پس از چهل روز پایان می‌پذیرد. استاندار یزد در جمع کارگران متحصن حاضر می‌شود و مصوبه هیأت دولت مبنی بر لغو واگذاری ۲۸/۵ درصد از سهام معدن سنگ آهن مرکزی بافق به بخش خصوصی را قرائت می‌کند.

۲۸ مرداد ۱۳۹۳ دو تن از نمایندگان کارگران معدن سنگ آهن بافق که پیگیر وعده‌های مسئولین مبنی بر توقف واگذاری شرکت به بخش خصوصی بودند بازداشت می‌شوند و تلاش برای بازداشت ۱۶ تن دیگر با مقاومت کارگران ناکام می‌ماند. ساعت ۱۰ همان شب اعتصاب کارگران در اعتراض به بازداشت ۲ تن از رفقای‌شان آغاز می‌شود. با بازداشت ۵ کارگر دیگر در پنجمین روز اعتصاب، خانواده‌های کارگران بازداشتی مقابل دفتر کارفرما تحصن می‌کنند.





سرانجام پس از ۱۷ روز اعتصاب کارگران بازداشتی آزاد می‌شوند و معاون سیاسی-امنیتی استان یزد از لغو قطعی واگذاری سهام ۲۸/۵ درصدی معدن بافق به بخش خصوصی خبر می‌دهد.

این جدی‌ترین اعتصاب کارگری بعد از انقلاب با مطالبه‌ی لغو خصوصی‌سازی بوده است و از این حیث در تاریخ اعتراضات کارگری پس از انقلاب باید آن را نقطه‌ای عطف در نظر گرفت.

در صحنه‌ای دیگر از اعتراضات کارگری سال ۹۳، روز ۱۰ اسفند معلمان در بیش از ۱۱ استان و ۲۰ شهر کشور بر علیه تبعیض و وضعیت بد معیشتی، فقر و فشارهایی که بر معلمان ایران وجود دارد دست به تجمعی گسترده می‌زنند. این تجمیع به دعوت «کانون صنفی معلمان سراسر کشور» انجام می‌شود.

پس از تعطیلات نوروزی این اعتراض‌ها ادامه پیدا کرد. روز پنج‌شنبه ۲۷ فروردین، تجمع سکوت معلمان در شهرهای بزرگ برگزار شد. استان‌های خراسان رضوی، لرستان، هرمزگان، کردستان، خوزستان، فارس و قزوین شاهد تجمع اعتراضی معلمان بودند. در تهران بیش از دوهزار معلم در برابر ساختمان مجلس تجمع کردند. معلمان در این گردهمایی که به «تجمع سکوت» مشهور شد، خواستار افزایش ۳۰ درصدی دستمزد و فوق‌العاده شغل، افزایش ۲۲ درصدی بودجه آموزش و پرورش در لایحه بودجه ۹۴ و برطرف شدن کسری بودجه ۵ هزار میلیاردی این وزارتخانه، اجرای بند ۵ ماده ۶۸ قانون خدمات کشوری، انتخاب مشاوران وزیر آموزش و پرورش از میان معلمان مقاطع سه گانه، اعتراض به تصویب و اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان و صیانت حقوقی و قضایی از شخصیت معلم، توقف خصوصی‌سازی مدارس و محفوظ ماندن فرصت استفاده از تحصیل رایگان به عنوان یک حق شهروندی شدند.

بنا بر نتایج یک پژوهش («زیر پوست شب، جنبشی در اعماق می‌تپد»<sup>۱</sup>) در

۱. قابل دسترسی در:

<http://etehadbinalmelali.com/ak/karegaran-94-2/>

مجموع در سال ۱۳۹۳ حدود ۳۶۵ واحد تولیدی-خدماتی دستخوش اعتراض کارگری بوده است که این عدد به طرز جالبی با روزهای سال برابر است. اما اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۴ در قیاس با سال قبل از آن، به طرز قابل ملاحظه‌ای مشمول رشد کمی و کیفی است. بنا بر پژوهش صورت گرفته (همان) کارگران در این سال مجموعاً در ۵۱۵ واحد تولیدی به اشکال مختلف دست به اعتراض زدند که این رقم در قیاس با ماقبل آن حکایت از رشد ۴۱ درصدی اعتراضات دارد. دلایل این اعتراضات را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

- ▲ اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزد و مزایا: در ۲۵۹ واحد
- ▲ اعتراض به سطح پایین دستمزدها و درخواست افزایش دستمزدها: در ۲۸ واحد
- ▲ اعتراض به قراردادهای موقت، عدم تبدیل وضعیت، و برای کسب امنیت شغلی: در ۵۹ واحد
- ▲ اعتراض به تعطیلی واحد و بیکارشدن با درخواست برای بازگشت به کار: در ۳۶ واحد
- ▲ اعتراض به اخراج از کار در واحدهای دایر: در ۴۷ واحد
- ▲ اعتراض نسبت به واگذاری واحد تولیدی به بخش خصوصی: در ۱۳ واحد
- ▲ اعتراض به تشکل‌های رسمی: در ۶ واحد
- ▲ اعتراض به دلایل دیگر: ۷۱ واحد

---

علت ارجاع دادن به این پژوهش از آن روست که اولاً به صورت تصادفی داده‌ها و اعداد و ارقام مندرج در این گزارش در خبرگزاری‌های رسمی جستجو شدند و همگی برابر با واقع بودند و ثانیاً در پژوهش اخیر همین تیم درباره تعداد اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۶ و مقایسه آن با عدد به دست آمده توسط ما در این گزارش حاکی از فاصله‌ی بسیار کم یافته‌ها باهم است و این نشان می‌دهد که تیم انجام دهنده‌ی آن پژوهش‌ها بری از دخالت دادن جانبداری ایدئولوژیک در اعلام یافته‌ها و انجام خود روند تحقیق است. وجود مصادقی نظیر مورد زیر در این گزارش نشان می‌دهد که پژوهشگران اهتمام جدی به بازنمایی دقیق واقعیت دارند و در مواردی که داده‌ای نداشتند صادقانه اعلام کرده‌اند:

«از این میان، کارگران در ۲۵۹ واحد، نسبت به عدم دریافت به موقع دستمزد و مزایا به اشکال مختلف از جمله تجمع و اعتصاب دست به اعتراض زدند. تعداد کارگران شرکت کننده در اعتراض در ۱۰۰ واحد، ۳۴۲۳۶ نفر گزارش شده است. (از ۱۵۹ واحد دیگر اطلاعی در دست نیست).»

که در مورد «اعتراض به دلایل دیگر» شامل این موارد می‌شود: حمایت کارگران از همکاران معترض که اخراج شده بودند، اعتراض به شرایط بد کاری و نبود امکانات رفاهی در محل کار، اعتراض به رفتار و عملکرد ضدانسانی کارفرمایان، اعتراض نسبت به تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضا، پرداخت دستمزد های پایین تر از حداقل رسمی دستمزد، کار بدون انعقاد هیچ قرارداد، وضعیت ایمنی محل کار، شامل نکردن کار به عنوان مشاغل سخت و زیان آور، بازنشستگی پیش از موعد، عدم تمدید دفترچه بیمه، عدم پرداخت بیمه بیکاری و حق مسکن، اعتراض به عملکرد تعاونی های مسکن.

از جمله مهمترین دلایل ساختاری اعتراضات این سال حجم سرسام آور بدهی دولت به کارگران است (همان):

- بدهی بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی
- بدهی ۲۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق بازنشستگان فولاد کشور
- بدهی ۲۵۰۰ میلیارد تومانی شرکت ملی نفت به صندوق بازنشستگی نفت
- بدهی ۵۲۰ میلیارد تومانی دولت به صندوق ذخیره فرهنگیان



همچنین نظر به اشکال متفاوت اعتراضی کارگران می‌توان آن را به نحو زیر دسته‌بندی کرد:

- ▲ اعتصاب و تجمع: ۸۵ درصد.
- ▲ گسترش اعتراض به بیرون از محل کار به صورت راهپیمایی در خیابان‌های شهر، تجمع در جاده‌های میان شهری و جلوگیری از تردد وسایل نقلیه و یا در مقابل درب محل کار و جلوگیری از رفت و آمد: ۸ درصد.
- ▲ نوشتن نامه و تهیه طومارهای اعتراضی: ۵ درصد.
- ▲ تحریم غذای محل کار: ۱ درصد.
- ▲ درگیری فیزیکی با کارفرمایان و یا شکستن شیشه و دیگر اشکال اعتراض: ۱ درصد.

از جمله اعتصاب‌های پراهمیت این سال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

○ اعتصاب ۵۴ روزه کارگران قطارشهری اهواز (شرکت «کیسون») در دو مرحله.

○ اعتصاب ۴۷ روزه کارگران لوله و نوردصفا در دو مرحله.

○ اعتصاب ۴۰ روزه کارگران کارخانه فولاد و چدن درود طی سه مرحله.

همچنین در مورد اعتصاب و تجمع هم‌زمان موارد زیر حائز توجه‌اند:

○ اعتراض هم‌زمان کارگران پتروشیمی‌های ماهشهر و عسلویه.

○ اعتراض هم‌زمان کارگران پتروشیمی‌های اراک، اصفهان، تبریز و ماهشهر.

○ اعتصاب هم‌زمان ۲۰۰۰ کارگر معادن زغال‌سنگ کوهبنان از جمله پادانا‌ی جنوبی، چشمه پودنه، اصلی، هشونی.

گفتنی است که طبق گزارش‌های موجود در سال گذشته، ۳۲ کارگر دست به خودکشی زدند که ۱۲ مورد آن به مرگ انجامید. دلایل این خودکشی‌ها و عواقب آن‌ها چنین گزارش شده است:

○ در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق: ۱۵ مورد که ۳ مورد به مرگ منتهی شد.

○ در اعتراض به اخراج از کار: ۱۰ مورد که مرگ ۵ نفر را به دنبال داشت.

○ در اعتراض به بیکاری: ۲ مورد که هر دو به مرگ انجامید.

○ به دلایل دیگر: ۵ مورد که به مرگ ۲ نفر انجامید.

مبارزه و اعتراض معلمان در دی و اسفند ماه ۹۳ به‌طور مؤثر از امکانات اینترنتی به‌ویژه از سیستم تلگرام برای بحث و تبادل نظر در مورد مطالبات معلمان، آموزش فعالیت‌های صنفی و سازماندهی اعتراضات استفاده می‌کردند. معلمان



با استفاده از این امکانات، توانستند خود را به سرعت در گروه های تلگرام سازماندهی کنند و اعتراض های سراسری را تدارک ببینند. مهمترین اعتراض ها و تجمع های سراسری معلمان در سال ۱۳۹۴ عبارت بود از:

- تجمعات اعتراضی سراسری در ۲۷ فروردین ماه.
- تجمعات سراسری در ۱۷ اردیبهشت بمناسبت روز معلم.
- تجمع اعتراضی در مقابل مجلس در روز ۳۱ تیر با خواست آزادی معلمان در بند از جمله اسماعیل عبدی و رسول بداعی.
- تجمع اعتراضی سراسری در ۱۶ مهر ماه.
- بیش از ۱۸ مورد اعتراض توسط معلمان، در روزهای دیگر با همان خواسته ها در شهرستان ها و مراکز استان ها برگزار شد.

در این سال پرستاران نیز بسیار پُررنگ تر از گذشته اعتراضات خود را اعلام داشتند که دستکم در بحث از سطح پایین دستمزد و عدم پرداخت به موقع مطالبات شان در ۱۷ بیمارستان به تجمع واعتصاب دست زدند.

جمع بندی این اعتراضات حاکی از آن است که مبارزه و اعتراض های کارگری در سال ۹۴، نه تنها از لحاظ کمی، یعنی از لحاظ تعداد اعتصاب ها و تجمع ها و دیگر اشکال اعتراض گسترش یافته و فزونی گرفته، بلکه از لحاظ کیفی نیز رشد پیدا کرده و نسبت به سال های پیش، ویژگی هایی یافته است که بسیار با اهمیت است.

نخستین ویژگی، اعتصاب هم زمان کارگران در یک رشته تولیدی در مناطق مختلف و یا در چندین واحد تولیدی، واقع در یک منطقه است. اعتراضات هم زمان کارگران پتروشیمی های اراک، اصفهان، تبریز و ماهشهر، و یا اعتصاب هم زمان کارگران معادن زغال سنگ کوهبنان از جمله پابدانای جنوبی، چشمه پودنه، اصلی، هشونی، نمونه ای از این گونه اعتراضات است. این امر به خوبی نشان می دهد که این مبارزات از سازماندهی و هماهنگی درونی نسبتاً پیچیده ای برخوردار بوده است.

ویژگی دوم، افزایش طول زمان اعتصاب کارگری است که در چندین مورد بیش از یک ماه و گاه نزدیک به دو ماه به درازا کشید. این امر از یک سو اراده و پافشاری کارگران برای رسیدن به خواست های شان را نشان می دهد

و از سوی دیگر بیان‌گر این است که حاکمیت در برخورد با اعتصاب‌های کارگری با محدودیت‌های معینی روبروست؛ نگرانی از خارج شدن اوضاع از کنترل، می‌تواند یکی از این نگرانی‌ها باشد.

ویژگی سوم، گسترش اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری به خارج از محل کار است که به شکل راهپیمایی کارگران در شهر، بستن جاده‌ها و تجمع در برابر مراکز دولتی صورت گرفته است.

ویژگی چهارم، حضور و شرکت هر چه بیشتر خانواده‌های کارگری در اعتراضات کارگران است. پیوستن خانواده‌ها به اعتراضات کارگری در همان حال که به همبستگی بیشتر بین کارگران و خانواده‌های کارگری می‌انجامد، هزینه مواجهه اعتراض‌های کارگری برای حاکمیت را بسیار بالا می‌برد. افزون بر این، پیوستن خانواده‌ها به اعتراض کارگران به سرعت به اجتماعی شدن اعتراض کارگری به ویژه در شهرهای کوچک دامن می‌زند.

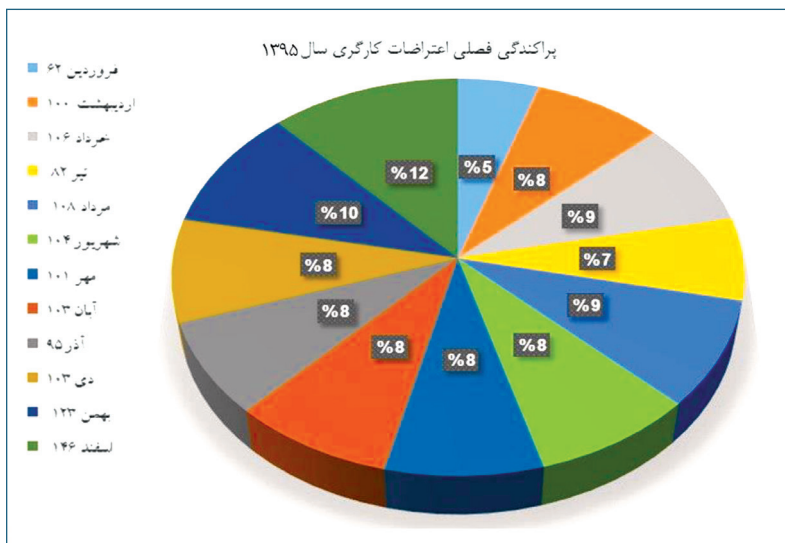
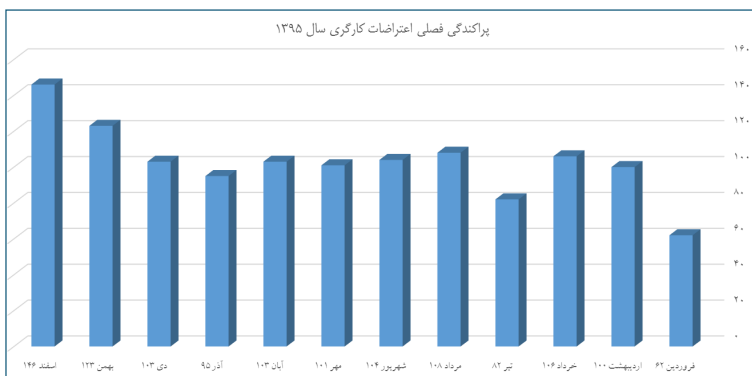
پژوهشی مشابه پژوهش مربوط به اعتراضات کارگری ۹۴ حاکی از آن است که در طول سال ۱۳۹۵، کارگران در ۶۵۳ مرکز تولیدی و خدماتی به اشکال مختلف برای کسب مطالبات خود دست به اعتراض زدند. این رقم نسبت به سال ۹۴ که شاهد اعتراض کارگران در ۵۱۵ واحد بودیم نشان دهنده افزایش حدود ۲۷ درصدی اعتراضات کارگری است. در مجموع طی سال ۱۳۹۵، ۱۲۶۴ مورد اعتراض‌های کارگری یعنی بطور متوسط هر روز بیش از ۳ اعتراض کارگری به وقوع پیوست. اعتراض‌ها در طول سال، روندی صعودی داشت و در سه ماه پایانی بطور چشم‌گیری افزایش یافت:

▲ سه ماهه اول سال (بهار): ۲۶۸ مورد؛ ( فروردین: ۶۲ مورد؛ اردیبهشت: ۱۰۰ مورد و خرداد: ۱۰۶ مورد)

▲ سه ماهه دوم سال (تابستان): ۲۹۴ مورد؛ (تیر: ۸۲ مورد؛ مرداد: ۱۰۸ مورد و شهریور: ۱۰۴ مورد)

▲ سه ماهه سوم سال (پائیز): ۲۹۹ مورد؛ (مهر: ۱۰۱؛ آبان: ۱۰۳ مورد و آذر: ۹۵ مورد)

سه ماهه سوم سال (زمستان): ۴۰۳ مورد؛ دی: ۱۳۰ مورد؛ بهمن: ۱۲۳ مورد و اسفند: ۱۴۶ مورد)



افزون بر افزایش تعداد حرکت‌های اعتراضی کارگری، این اعتراضات نسبت به سال ۹۴ با در نظر گرفتن شیوه‌هایی که کارگران برای رسیدن به خواسته‌های خود به کار بستند، نشان‌دهنده شدت‌یابی باز هم بیشتر اعتراضات بود. به این گونه که کارگران در موارد زیادی، راه ورود و خروج به محل کار را مسدود کردند، با تجمع در خیابان و جاده، مانع تردد وسایل نقلیه شدند و یا محل کار را به اشغال خود درآوردند که در پاره‌ای موارد با تنش و درگیری فیزیکی همراه بود. به‌طور کلی در سال ۱۳۹۵ ۳۲ مورد از این گونه اعتراضات به‌وقوع پیوست که درمقایسه با سال ۹۴ که ۱۳ مورد بود افزایش ۱۴۶ درصدی را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، پیوستن خانواده‌ها به اعتراضات کارگران و همچنین گسترش مبارزه به سطح شهر و تلاش کارگران برای جلب توجه مردم و کسب حمایت آنان که پدیده جدیدی در جنبش کارگری طی سال‌های اخیر است، در سال ۱۳۹۵ رشد چشم‌گیری داشت. به‌طوری که در این سال در ۱۹ مرکز تولیدی و خدماتی، در پی اعتراض‌های کارگری، خانواده‌ها به کارگران معترض پیوستند. این رقم نسبت به سال ۹۴ که ۱۳ مورد بود حاکی از افزایش ۴۶ درصدی است. و به همین گونه کارگران معترض ۱۸ مرکز تولیدی، در مراکز شهری دست به تجمع زدند و یا راهپیمایی کردند که نسبت به ۵ مورد در سال ۹۴ نشان دهنده افزایش ۲۶۰ درصدی است. در دو مورد از این گونه اعتراضات، در بافق و پارس جنوبی، کسبه محل به‌طور مشخص به عدم پرداخت دستمزد کارگران اعتراض کردند. از جمله به این دلیل که عدم پرداخت دستمزد کارگرانی که مشتریان آنها هستند به‌طورمستقیم بر کسب و کار صاحبان مغازه‌ها تأثیر گذاشته و باعث کاهش درآمد آنها خواهد شد.

### بررسی برخی علل اعتراضات در سال ۱۳۹۵:

۱. اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدها و مزایا (حق بیمه، حق سنوات، حق عائله مندی، حق مسکن، عیدی، پاداش، حق اضافه کاری، حق ایاب وذهاب وغیره):

کارگران در ۳۵۶ مرکز تولیدی و خدماتی دست به اعتراض زدند که نسبت به

۲۵۹ مورد در سال ۹۴ رشد ۳۷/۴ درصدی را نشان می‌دهد.

۲. اعتراض به قراردادهای موقت، نداشتن امنیت شغلی، عدم تبدیل وضعیت و تبعیض در پرداخت حقوق وعدم همسان‌سازی حقوق:

کارگران در ۱۰۲ مرکز به همین دلیل دست به اعتراض زدند که نسبت به ۵۹ مرکز در سال ۹۴ نشان‌دهنده رشد ۷۲/۸ درصدی است.

۳. اعتراض به اخراج از کار در واحدهای دایر:

در این رابطه شاهد اعتراضات کارگران در ۵۲ مرکز بودیم که نسبت به ۴۷ مورد در سال ۹۴ افزایش ۱۰/۶ درصدی را نشان می‌دهد.

۴. اعتراض به تعطیلی مرکز و بیکار شدن، و تقاضای بازگشت به کار:

کارگران در ۴۲ مرکز دست به اعتراض زدند که به نسبت به ۳۶ مورد در سال ۹۴ نشان از افزایش ۱۶/۶ درصدی داشت.

۵. اعتراض به سطح پایین دستمزد و خواست افزایش دستمزدها:

در ۳۸ مرکز کارگران نسبت به سطح پایین دستمزد و برای افزایش دستمزدها دست به اعتراض زدند که در مقایسه با ۲۸ مورد در سال ۹۴ نشان‌دهنده رشد ۳۵/۷ درصدی است.

۶. اعتراض به خصوصی‌سازی‌ها:

کارگران در ۱۷ مرکز نسبت به خصوصی‌سازی‌ها اعتراض کردند که در مقایسه با سال پیش از آن که ۱۳ مورد بود، افزایش ۳۰/۷ درصدی را نشان می‌دهد.

۷. اعتراض به تشکلهای رسمی:

در سه مورد که به نسبت شش مورد سال قبل، کاهش ۵۰ درصدی را نشان می‌دهد.

۸. اعتراض به شرایط کاری:

که شامل ۲۰ مرکز می‌شد.

۹. اعتراض در پیوند با مسئله مسکن:

در ۲۷ مرکز تولیدی و خدماتی شاهد اعتراض کارگران در ارتباط با این مسئله بودیم.

۱۰. حمایت از همکاران معترض بازداشتی و اخراجی:

۷ مورد.

۱۱. اعتراضات متفرقه:

۱۳ مورد.

اما اگر بخواهیم به موارد قابل توجه اعتراضی در این سال اشاره‌ی مشخصی هم بکنیم، می‌توان موارد زیر را برشمرد:

○ اعتراض به لایحه اصلاح قانون کار در ۲۵ آبان ۱۳۹۵ به دعوت «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه».

○ سال ۹۵ همچنین سال به میدان آمدن بسیار پُررنگ «بازنشستگان» بود که به سبب تعداد دفعات و کیفیت حضورشان از آن‌ها با عنوان «جنبش بازنشستگان» هم یاد شد که در ذیل به برخی از موارد چشمگیر آن اشاره می‌کنیم:

▲ ۲۹ و ۳۰ فروردین: تجمع هزاران بازنشسته صنعت فولاد کشور در مقابل مجلس.

▲ ۳۰ فروردین: تجمع معلمان بازنشسته مقابل مجلس.

▲ ۹ مهرماه: تجمع سراسری بازنشستگان فرهنگی.

▲ ۹ آبان: تجمع صدها نفر از بازنشستگان فولاد سراسر کشور مقابل وزارت کار برای همسان‌سازی و پرداخت به موقع مستمری.

▲ ۲۵ آبان: تجمع بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی مقابل مجلس.

▲ ۱۴ آذر: تجمع سراسری فرهنگیان بازنشسته.

○ نکته‌ی دیگر اعتراضات کارگری این سال، اعتراضات قابل توجهی از سوی «دستفروشان» و برخوردهای نیروی انتظامی و یا مأموران شهرداری با



این اعتراضات بود که در مورد قابل توجه آن موارد زیراند:

▲ ۷ مهر: تجمع اعتراضی دستفروشان در مقابل شهرداری سنندج.

▲ ۱۸ اسفند: تجمعات خانوادگی دستفروشان همدان مقابل فرمانداری و شهرداری.

○ همچنین در طول سال ۱۳۹۵ حداقل ۱۶ مورد اقدام به خودکشی توسط کارگران که ریشه در مسایل کاری داشته گزارش شده است که ۹ مورد آن به مرگ منجر شد.



## گزارشی از ماهیت و کمیت اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۶

مقدمه

برآوردهای کلی نشان می‌دهند که در سال ۹۶ با تراکم قابل توجهی (مثل سال قبل) در تعداد اعتراضات کارگری مواجهیم. اعتراضات کارگری با آغاز دهه ی ۹۰ شمسی و افزایش بحران اقتصادی رفته رفته افزایش یافتند. در این سال به طور متوسط در هر روز بیش از ۳ اعتراض کارگری به وقوع پیوسته است. حسین ذوالفقاری معاون امنیتی انتظامی وزارت کشور در گفت‌وگو با سایت خبری تسنیم در رابطه با این روند افزایشی اعتراضات کارگری می‌گوید: «اعتراضات اجتماعی، کارگری و صنفی در سه سال اخیر (یعنی تا سال ۹۵) با افزایشی ۶۹ درصدی روبه‌رو شده است»<sup>۱</sup>. این روند فزاینده در سال ۹۶ به نقطه اوج رسید.

با آغاز دهه‌ی هفتاد شمسی سیاست اقتصادی واحدی در ایران پی گرفته شد. این سیاست متکی بر واگذاری واحدهای اقتصادی و خدمات عمومی به بخش خصوصی بود. عقب نشینی دولت از خدمات اجتماعی همچون مسکن، اشتغال، سلامت و آموزش از دولت هاشمی رفسنجانی آغاز شد و به تدریج پیش رفت. در دهه ی هشتاد شمسی، هم زمان با تصویب تبصره ی اصل ۴۴ خصوصی سازی واحدهای کلان اقتصادی شدت گرفت و در دولت نهم و دهم بیشترین میزان خصوصی سازی واحدهای تولیدی انجام شد. دولت یازدهم با سیاست عقب نشینی هرچه بیشتر از خدمات عمومی روی کار آمد. بنابراین در سال ۹۶ که آغاز سیاست گذاری های دولت دوازدهم است، فرایند خصوصی سازی واحدهای اقتصادی تا حد زیادی تکمیل شده، آموزش عمومی و عالی بنحوی موفقیت آمیز خصوصی شده به طوری که حدود ۱۰ درصد آموزش عالی دولتی باقی مانده و نزدیک به ۶۰ درصد هزینه آموزش عمومی را خود مردم پرداخت می‌کنند. عرصه سلامت نیز تا حد زیادی به بخش خصوصی واگذار شده، طرح مسکن اجتماعی که

۱. تسنیم، ۲۱ آذر ۹۵:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/09/21/1264210>



آخرین بار با نقصان های بسیار در دولت دهم پی گرفته شده بود با تمام قوا در دولت یازدهم و دوازدهم از اساس مورد حمله قرار می گیرد، به نحوی که رییس جمهور در سال ۹۶ پس از تخریب مسکن مهر در زلزله ی کرمانشاه اعلام می کند: «مردم بهتر می توانند برای خودشان خانه بسازند». بعلاوه با آغاز سال ۹۶ دولت از طریق تصویب و اجرایی کردن بسته ی اشتغالی، قصد دارد گام مهمی در عقب نشینی از حوزه ی اشتغال نیز بردارد. بدین ترتیب از سال ۹۴، پیامدها و بحران های ناشی از خصوصی سازی واحدهای اقتصادی که به عدم پرداخت دستمزد و بیکاری منجر شده بود، در شدت گرفتن اعتراضات کارگری نمود می یابد. با افزایش هزینه های رفاه عمومی برای مردم، بحران حداقل دستمزد نیز اضافه می گردد. از طرفی بحران اشتغال با آغاز دهه ی نود و خواست ورود جمعیت عظیم دهه ی شصتی ها به بازار کار نمودی عینی می یابد. همه ی این مختصات در شرایطی حاکم است که دولت روحانی در دور دوم خود در سال ۹۶، سیاست عقب نشینی را با شدت بیشتری پی می گیرد که اولین و مهم ترین نمود آن «بسته ی اشتغالی دولت» و به ویژه «طرح کارورزی» است. شدت و کثرت اعتراضات کارگری در سال ۹۶ بازنمایی تکامل همه ی بحران هایی است که سالها برای نیروی کار انباشت شده و در این سال دور جدیدی از بحران افزایشی نیز آغاز شده است. این بررسی فعلی، همین تراکم و کثرت اعتراضات کارگری را در سال ۹۶ نشان می دهد؛ روند افزایشی اعتراضات در سال ۹۶ که در دی ماه به فوران های اجتماعی بدل شد و بعد از فروکش کردن آن باز هم ادامه یافت و تا امروز ادامه دارد.

## داده ها

این گزارش بر اساس تحلیل خبرها و گزارش های منتشر شده از اعتراضات کارگری در سال ۹۶ و ۹۷ برای استخراج داده های معین درباره شکل، اندازه و نوع و تعداد آن اعتراضات نوشته شده است که در طی پژوهش تنظیم و کمی سازی شدند. در این گزارش می کوشیم تصویری کلی از کمیت و کیفیت اعتراضات در سال ۹۶ ارائه دهیم و نشان دهیم که چه سمت و سویی داشته اند.

## فراوانی اعتراضات

با توجه به داده‌هایی که از تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده در سال ۹۶ به دست آمده، در این سال ۱۲۵۱ مورد اعتراض وجود داشته که این تعداد نسبت به سال ۹۵ که تعداد اعتراضات ۱۲۶۴ اعتراض بوده<sup>۱</sup>، تقریباً ثابت مانده است. البته آمارهای گوناگونی از تعداد اعتراضات وجود دارد و با توجه به نوع تقسیم‌بندی و سطح تحلیل اعتراضات، تفاوت‌هایی در داده‌ها به چشم می‌خورد. همچنین کارگران ۶۸۹ واحد تولیدی و خدماتی در این اعتراضات شرکت کردند که در مقایسه با ۶۵۳ واحد در سال ۹۵، نشانگر افزایش ۵/۵ درصدی از نظر تعداد واحدها است.

## تحلیل فراوانی اعتراضات

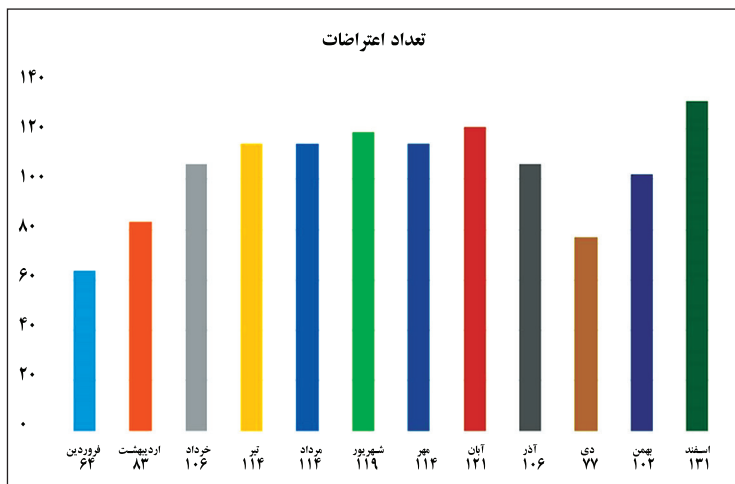
در خصوص تعداد اعتراضات سال ۹۶ در قیاس با سال ۹۵، باید در نظر بگیریم که بعد از اعتراضات دی ۹۶ فضای عمومی به دلیل برخوردها پیش آمده رو به سکون و سکوتی رفت که می‌تواند در هم‌ترازی آمارها مؤثر باشد و گرنه انتظار می‌رفت که اعتراضات کارگری در سال ۹۶ روندی صعودی طی کند. هرچند بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، میزان تورم که نسبت معکوس با توانایی خرید کارگران و نسبتی مستقیم با اعتراض کارگران دارد، در این سال دچار جهش‌های قابل توجه نشد اما - همان‌طور که در چند بخش بعد نشان خواهیم داد - معوقات مزدی که نشان از وضع مسأله‌دار بخش تولید و خدمات دارد، علت اصلی اعتراضات باقی ماند.

## پراکندگی اعتراضات براساس زمان وقوع

از نظر زمانی بیشترین اعتراضات در ماه‌های اسفند، آبان، شهریور و دی به ترتیب با ۱۳۱ اعتراض، ۱۲۱ اعتراض، ۱۱۹ اعتراض و ۷۷ اعتراض بوده است. در میان کل روزهای سال ۳ اردیبهشت با ۱۸ اعتراض بیشترین تعداد اعتراض

۱. رستمی، ۱۳۹۶

در یک روز را داشته، بعد از آن، ۱۳ مهر با ۱۳ اعتراض و بعد ۹ خرداد و اول و دوم اسفند هر کدام با ۱۲ اعتراض بیشترین اعتراض‌ها را داشته‌اند.



### تحلیل پراکندگی اعتراضات بر اساس زمان وقوع

در خصوص تعداد اعتراضات در ماه‌های مختلف باید توجه داشت، اسفند کم‌وبیش در همه سال‌های نزدیک پراعتراض‌ترین ماه سال بوده است اول به دلیل بار تورمی در این فصل و دوم به دلیل نزدیکی به زمان وصول مطالبات شرکت‌ها. همه ماه‌های پراعتراض در نیمه دوم سال قرار دارند و این نشان می‌دهد که هر چه به آخر سال نزدیک‌تر می‌شویم اعتراضات شدیدتر و گسترده‌تر می‌شوند.

### حوزه‌های اعتراضات

در پژوهش ما مشخص شد که در دوره زمانی مورد نظر گسترش و توسعه صنعت آذربایجان با ۸۷ روز [حوزه کاری: ماشین‌آلات صنعتی و کانکس]، کمباین‌سازی تبریز با ۷۵ روز، کیان‌گرد اراک با ۲۳ روز [حوزه کاری:

تولیدکننده منسوج تایر[ و پروژه قطار شهری اهواز با ۱۴ روز بیشترین زمان اعتراض را داشته‌اند. هر چند تعداد بیشتر روزهای اعتراض لزوماً از اهمیت یا تعیین‌کنندگی این‌ها نشان ندارد اما می‌توان گفت با توجه به نوع صنعت به نتایجی مشخص دست یافت.

## تحلیل حوزه‌های اعتراضات

همه ی این کارگاه‌ها از صنایعی بوده‌اند که دست کم تا چند سال پیش از وضع پایدارتری برخوردار بوده‌اند. این نشان می‌دهد که اوضاع اقتصادی نابسامان عملاً به قلمرو صنایعی نفوذ کرده است که کارگران صنعتی بخشی بزرگ از آن را تشکیل می‌دهند، کارگرانی که دارای پیوندهای مشترک و نیرومند در محل کار هستند و از هویتی پر قدرت و منسجم برخوردارند. این به معنای آن است که اعتراضات آن‌ها هم پیوسته‌تر است و هم از قدرت بیشتری برخوردار است. حال اگر این‌ها را در کنار اعتراضات کارگران پتروشیمی‌ها و صنایع گازی و نفتی قرار دهیم می‌بینیم که وزنه اعتراضات به سمت کارگرانی است که به دلیل پیوندهای هویتی مشخص می‌توانند تأثیر گذاری بیشتری بر نتایج اعتراضات داشته باشند.

## مکان‌های اعتراض

بررسی ما نشان داد که به‌طور مطلق و با فراوانی بسیار بیشتر از دیگر استان‌ها تهران و خوزستان بیشترین اعتراضات را داشته‌اند. البته بعد از این دو استان می‌توان به استان‌های فارس و آذربایجان غربی و شرقی اشاره کرد. اما میزان اعتراضات در تهران و خوزستان همچنان قابل توجه است که عملاً باید بر این دو استان متمرکز شد. استان خوزستان با ۱۹۸ اعتراض در سال (که ۳۶ بار آن در مردادماه بوده است) بالاترین میزان اعتراض را به خود اختصاص داده، و تهران با ۱۳۳ اعتراض (که بالاترین آن با ۲۶ بار در آبان ماه بوده است) در رتبه دوم است. در واقع می‌توان گفت که به‌طور کلی اولین و دومین استان در اعتراضات سال ۹۶ تهران و خوزستان بوده‌اند.



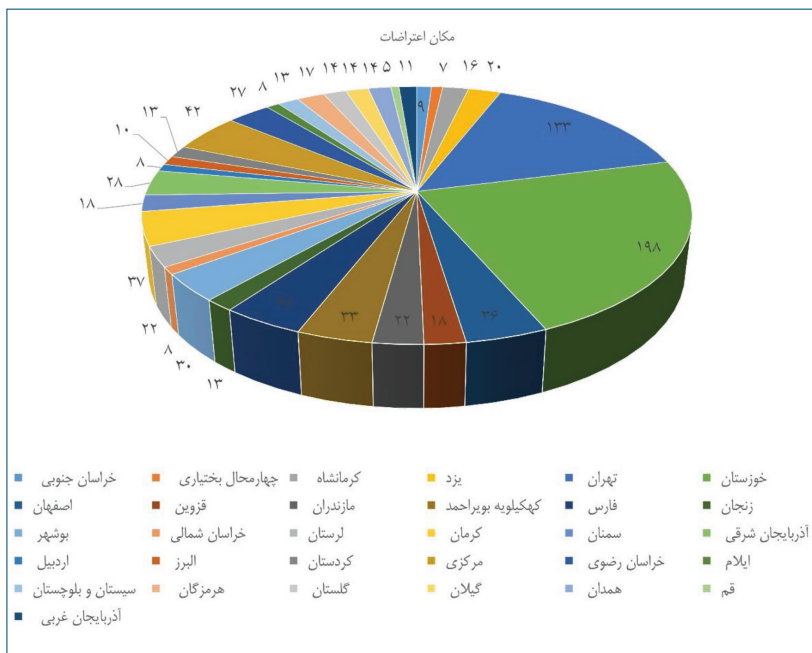
در خصوص استان‌های با بیشترین تعداد اعتراضات، تحلیل تهران به عنوان مهم‌ترین مرکز اعتراضات مشخص است؛ هم به عنوان پایتخت و هم به عنوان بزرگ‌ترین مرکز و کانون تجمع صنایع و خدمات، طبیعی است که دارای بیشترین اعتراض‌ها هم باشد. اما خوزستان دارای وضعیتی خاص است. هر چند که می‌توان گفت به اندازه اصفهان یا یزد یا اراک صنعتی است اما وضعیت صنایع در آن به شکلی است که زمینه اعتراضات بیشتر را فراهم می‌کند.

بنا به گزارش‌های رسمی در خوزستان هشت بندر وجود دارد که از این تعداد چهار بندر بین‌المللی است؛ همچنین ۶ فرودگاه فعال در خوزستان وجود دارد که از این تعداد دو فرودگاه بین‌المللی هستند.

در حمل و نقل جاده‌ای، خوزستان از نظر  $\text{تُن کیلومتر کالای جابه‌جا شده}$  رتبه اول را از آن خود کرده است اما متأسفانه بر خورداری از راه‌های شریانی که رتبه ۱۴ را دارد مشکلات زیادی برای خوزستان به وجود آورده است. خوزستان تنها استانی است که منطقه آزاد موجود در آن به آب‌های آزاد راه دارد و علاوه بر این از سه منطقه ویژه اقتصادی بهره‌مند است که حدود ۸۰ درصد صادرات غیرنفتی خوزستان از منطقه ویژه پتروشیمی ماهشهر انجام می‌شود.

در خوزستان ۷۱ شهرک و ناحیه صنعتی وجود دارد که ۵۱ واحد آن فعال هستند. استان خوزستان در زمینه تولید محصولات کشاورزی در بخش‌های مختلف مقام اول کشور را دارد. حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی ۳۵ درصد اقتصاد خوزستان را به خود اختصاص داده اما متأسفانه تنها ۳ درصد اشتغال ایجاد کرده‌اند.

هر چند تورم در استان خوزستان در سال ۹۶ از متوسط کشوری یعنی ۹/۵ درصد پایین‌تر بوده اما خوزستان با ۱۴/۹ درصد نرخ بیکاری سومین استان بیکار کشور در همین سال است.



### فراوانی اعتراضات بر اساس شاخه‌های تولیدی

در سال ۹۶ با توجه به بررسی‌های ما و برخلاف تصور عمومی بیشترین اعتراضات در حوزه حمل‌ونقل با ۱۱۵ اعتراض بوده است. پس از آن شهرداری با ۷۹ اعتراض، آموزش و پرورش با ۵۹ اعتراض، حوزه معدن با ۳۸ اعتراض، بیکاران با ۳۵ اعتراض و بازنشستگان با ۲۱ اعتراض به ترتیب حوزه‌های دارای بیشترین اعتراض کارگری بوده‌اند.

### تحلیل فراوانی اعتراضات بر اساس شاخه‌های تولیدی

بررسی خواست معترضین که در گزارش‌های اعتراضات آمده است نشان می‌دهد اعتراضات در حوزه حمل‌ونقل عمدتاً به دو دلیل صورت می‌گیرد: یکی تغییرات در قیمت بنزین و دیگری کرایه‌های حمل‌ونقل. همان‌طور که در

قسمت قبل دیدیم بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی در خوزستان مربوط به حمل‌ونقل و ترانزیت کالا است. همین می‌تواند توجهی برای اعتراضات بیشتر در این استان باشد و همچنین نشان دهد که چگونه استان‌های ترانزیتی کشور اعتراضات بیشتری را نشان می‌دهند.

بحران شهرداری‌ها یکی دیگر از زمینه‌های اعتراضات کارگری است به‌ویژه به این دلیل که ساختار اشتغال در شهرداری‌ها به‌شدت بر پایه پیمان کاری قرار گرفته است. تغییرات شدید در بازار ساخت‌وساز و افزایش شدید قیمت‌ها در آن باعث شد که اکثر شرکت‌های پیمان کاری نتوانند معوقات خود را پردازند و این بیش از همه خود را در ساختارهایی نشان داد که بیشتر وابسته به فعالیت اقتصادی پیمان کاری بودند مانند شهرداری‌ها. شهرداری‌ها با ۷۹ اعتراض در سال در مقام دوم اعتراض بوده‌اند.

یکی از عوامل مهم اعتراضات معلمان، خصوصی‌سازی گسترده و ایجاد جمعیت متمرکز معلمان حق‌التدریس است. اکثر ۵۹ اعتراض در آموزش و پرورش به همین وضع نابه‌سامان معیشتی حاصل از ناامن‌سازی شغلی و دستمزد پایین معطوف بوده است.

کار در معدن به دلیل دشواری، آسیب‌زندگی جدی به سلامت و دستمزد بسیار پایین با اعتراضات کارگری گره خورده است، چنانچه در طول تاریخ ایران و جهان اعتراضات شدید و گسترده‌ای در معادن رخ داده است. اما مشخصاً پس از وقایع معدن یورت بود که اعتراضات کارگری در معادن به مرکز توجهات در ایران آمد و باعث شد مسائل و مشکلات آن‌ها در میان خبرها دیده شود. این ۳۸ اعتراض ثبت شده که توانسته‌ایم از میان خبرهای پراکنده استخراج کنیم تنها بخشی از کلیت اعتراضات در بخش معدن است.

بیکاران و بازنشستگان نیز در جمع حوزه‌هایی هستند که بیشترین اعتراضات در آن‌ها ثبت شده است. ۳۵ اعتراض صورت‌گرفته توسط بیکاران و ۲۱ اعتراض بازنشستگان نشان‌دهنده شرایط نابه‌سامان آن‌هاست. اعتراض بیکاران برآمده از وضعیت کلی اقتصادی است اما اعتراض بازنشستگان بیش از همه مربوط است به معوقات آن‌ها که ناشی از بحران عمومی و عمیق صندوق‌های بازنشستگی است.





عدم پرداخت دستمزد و مزایا با ۴۵۰ مورد اعتراض در سال ۹۶ بنا به بررسی‌های ما دلیل اکثر اعتراضات کارگری بوده است. اوج این اعتراضات در ماه شهریور بوده که ۷۰ مورد اعتراض در این خصوص ثبت شده است. اما از مهر به بعد تعداد این اعتراضات با شیبی ملایم کمتر می‌شود اما یک‌باره در اسفندماه با ۴۴ مورد اوج می‌گیرد. عدم پرداخت به‌موقع دستمزد و مزایا به یکی از ریشه‌های‌ترین عامل‌های اعتراضات تبدیل شده است و عملاً در اکثر صنایع و در بخش‌های خدماتی دیده می‌شود. هر چند در این بررسی مدت زمان «عدم پرداخت» دستمزد، گردآوری نشده و مورد تحلیل قرار نگرفته است، اما در مواردی حتی تا یک سال تعویق مزدی اتفاق افتاده است. رقم مذکور در قیاس با سال قبل (۳۵۶ مورد) رشد ۶ درصدی را نشان می‌دهد.

علت دوم اعتراضات مسأله «قرارداد موقت و امنیت شغلی» است. ۱۵۹ مورد از اعتراضات سال ۹۶ بنا به بررسی ما به این نوع اعتراضات اختصاص می‌یابد. این شکل از اعتراضات با ۲۸ مورد در تیر و مرداد که به شکلی می‌توان آن را سررسید اولیه قراردادهای سه‌ماهه فرض کرد به اوج می‌رسد و از مهر به سمت اسفند روندی کاهشی پیدا می‌کند. در مجموع این رقم در قیاس با سال پیش (۱۰۲ مورد) افزایش ۵۲ درصدی را نشان می‌دهد.

از جمله‌ی مواردی که ذیل این اعتراض می‌گنجد می‌توان به اعتراض کارگران پتروشیمی‌های منطقه ویژه اقتصادی بندر امام، کارگران پست‌های فشار قوی برق، کارگران شرکت مخابرات کشور، کارگزاران مخابرات روستایی، کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی، ناظران جهاد کشاورزی، مربیان حق‌التدریس مراکز فنی حرفه‌ای کشور، معلمان حق‌التدریسی و مدارس غیرانتفاعی کشور، مربیان پیش‌دبستانی، آموزگاران نهضت سوادآموزی و... اشاره کرد. نکته قابل توجه این اعتراضات این بود که در مواردی این اعتراضات به شکل تجمع همزمان در تهران و یا به صورت اعتراض همزمان و سراسری در شهرهای مختلف انجام گرفت. همچنین لازم به گفتن است که اعتراض نسبت به عدم تبدیل وضعیت و همسان‌سازی حقوق‌ها به ویژه رشد چشمگیری داشت.

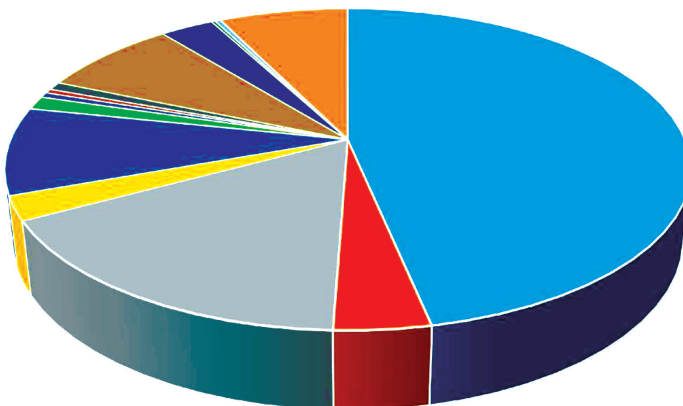
این مورد در کنار علت سوم یعنی اخراج معنایی دقیق‌تر پیدا می‌کند؛ ۸۳ مورد از اعتراضات سال ۹۶ مربوط به اخراج بوده است که اوج آن با ۱۴ مورد اعتراض مربوط به ماه مرداد است یعنی دقیقا همان زمانی که قراردادهای موقت سه‌ماهه که امروزه اکثریت مطلق قراردادهای نیروی کار را تشکیل می‌دهد به سررسید اولیه می‌رسد و همان‌طور که می‌بینیم بخش بزرگی از آن تمدید نمی‌شود.

مسئله بیمه‌ها با ۷۴ مورد اعتراض علت چهارم اعتراضات در سال ۹۶ است. اوج اعتراضات مربوط به بیمه‌ها به سه‌ماهه اول سال برمی‌گردد. بخشی اساسی از مشکل بیمه‌ها یا به عدم شمول کارگران در قانون کار برمی‌گردد یا به فرار کارفرما از زیر بار بیمه کردن آنان.

موارد دیگر یکی تعطیلی واحدهای تولیدی و درخواست بازگشت به کار است که ۱۳ مورد اعتراضات در سال ۹۶ به آن اختصاص دارد. دیگری اعتراض به واگذاری به بخش خصوصی است که هر چند در کنار درخواست تشکل مستقل کمترین تعداد اعتراضات را به خود اختصاص داده‌اند (یعنی برای اولی ۵ مورد و برای دومی ۳ مورد) از اهمیتی فوق‌العاده برخوردارند. این ۳ مورد پایانی نشان از شکل‌گیری آگاهی گسترده در میان کارگران نسبت به پیامدهای خصوصی‌سازی و نداشتن تشکل مستقل است. چیزهایی که اولی زمینه‌ساز شرایط نابه‌سامان کار و دومی ابزاری حمایتی در برابر مسائل و مشکلات فضای کار است.

در اینجا باید دقت کرد که ما اعتراضات متوجه خصوصی‌سازی را با در نظر گرفتن این نکته که یکی از خواسته‌های مشخص اعتراض کارگران بوده باشد و مشخصا حول محور آن اعتراض صورت گرفته باشد در اینجا حساب کردیم.

## علت اعتراض



- ۴۵۰ عدم پرداخت به موقع دستمزد و مزایا
- ۳۷ سطح پایین دستمزدها و درخواست برای افزایش آن
- ۱۵۹ قراردادهای موقت و امنیت شغلی
- ۲۳ تعطیلی واحد تولیدی و درخواست بازگشت به کار
- ۸۵ اخراج از کار
- ۱۳ واگذاری واحد تولیدی به بخش خصوصی
- ۵ عدم پیگیری وضعیت جامعه کارگری از سوی تشکل های رسمی (شوراهای اسلامی، خانه کارگر)
- ۴ درخواست تشکل مستقل
- ۸ ایمنی محیط کار
- ۷۵ بیمه ها
- ۲۹ بیکاری و درخواست کار



«تجمع مقابل نهادهای حاکمیتی» با ۳۴۶ مورد بیشترین شکل اعتراض را در سال ۹۶ تشکیل می‌دهد. حجم بزرگی از این اعتراضات با ۴۳ مورد به ماه مهر برمی‌گردد. تجمع مقابل نهادهای حاکمیتی در واقع نشان‌دهنده این است که کارگران امکان دستیابی به حقوقشان را از طریق نهادهای مرتبط و رویه‌های مستقل قانونی ممکن نمی‌دانند.

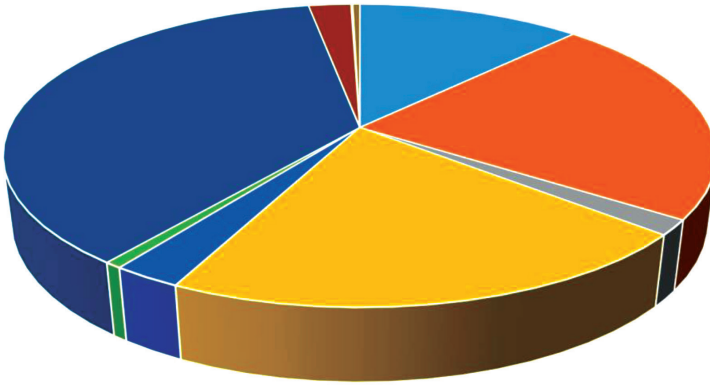
اعتراضات مکرر ۲۳۵ مورد شیوه دوم اعتراضات در سال ۹۶ بوده است. اعتراض مکرر به این معناست که کارگران در مراجعات خود به کارفرما یا نهادهای مرتبط نتیجه‌ای نگرفته‌اند و مجبور شدند که به‌طور مکرر اعتراض خود را نشان دهند. این نوع اعتراضات از آغاز سال تا شهریور روندی صعودی داشته است و در مهرماه با ۴۴ مورد به اوج رسیده. البته مانند دیگر الگوهای اعتراضی از بعد از مهرماه تا اسفند روندی کاهشی پیدا کرده است.

«اعتصاب و تجمع در محیط کار» شیوه سوم اعتراض است که در سال ۹۶ با ۲۱۷ مورد در جایگاه سوم قرار داشته است. این نوع اعتراض با ۴۳ مورد در ماه مرداد به اوج رسیده است اما بعد از آن به‌شدت از تعداد آن کاسته شده به‌نحوی که در نهایت به ۳ مورد در اسفند خاتمه یافته است.

اعتصاب طولانی (پیوسته) شکل خاصی از اعتراض است که با ۱۲۷ مورد در سال ۹۶ در جایگاه چهارم قرار دارد. اعتصاب طولانی یا پیوسته در واقع به نوعی از اعتراض کارگری گفته می‌شود که به‌طور متداوم در بیش از دو روز پیاپی ادامه داشته باشد. این نوع اعتراض که اوج آن با ۲۳ مورد به مهرماه برمی‌گردد از شکل‌های اعتراضی موفق کارگران است؛ به این معنی که کارگرانی که به این شکل مبادرت به اعتراض کردند در اکثر موارد به مطالباتشان دست یافتند. البته به دلیل ماهیت پیوسته آن کارگران واحدهای گوناگون به سختی می‌توانند آن را محقق کنند. بعد از مهرماه این نوع اعتراض روندی کاهشی داشته است.

سه شیوه اعتراض دیگر یکی به همراه خانواده در ۱۷ مورد، دیگری خودکشی در ۴ مورد و در یک مورد اشتغال محیط کار است.

### شیوه‌ی اعتراض



- اعتصاب های طولانی ۱۲۷
- اعتراض های مکرر ۲۳۵
- شرکت در اعتراض به همراه خانواده ها ۱۷
- اعتصاب و تجمع همزمان در محیط کار ۲۲۰
- اعتراض رسانه‌ای ۲۸
- راهپیمایی ۷
- تجمع مقابل نهادهای حاکمیتی ۳۸۴
- نامه و طومار اعتراضی ۲۴

## نتیجه‌گیری

از بررسی کلی اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۶ می‌توان به این نتیجه رسید که دو روند کلی زمینه‌ساز اکثر اعتراضات بوده است: اولی شرایط بد اقتصادی است که مشخصاً بخش‌های تولیدی و خدماتی را تضعیف می‌کند و باعث شکل‌گیری اکثر اعتراضات یعنی اعتراضات از نوع عدم پرداخت به‌موقع دستمزد و مزایا می‌شود. روند کلی دوم برمی‌گردد به خصوصی‌سازی گسترده در اقتصاد. همان‌طور که در بررسی آمارها دیدیم عملاً اکثر اعتراضات یا در بخش‌هایی روی دادند که با خصوصی‌سازی افسارگسیخته یا برون‌سپاری‌های گسترده روبه‌رو بوده‌اند یا در بخش‌هایی که قراردادهای موقت یک تا سه‌ماهه در آن‌ها شکل غالب قراردادهای بوده است. طبیعتاً کانون‌های اقتصادی از نظر جغرافیایی به همین دو دلیل کلی سهم بزرگ‌تری از اعتراضات را به خود اختصاص داده‌اند.

اکثر مطالعات کارگری هم مسأله‌دار بودن خصوصی‌سازی به معنای کلی آن و نقش مهم آن را در اعتراضات کارگری نشان می‌دهند. به عنوان نمونه مطالعه «علیرضا خیرالهی» نشان داده است که در سه دهه اخیر چگونه سه روند هم‌پیوند یعنی تشکل‌زدایی از نیروهای کار، موقتی‌سازی روابط کاری و ظهور شرکت‌های پیمان‌کاری تأمین نیروی انسانی بازار کار باعث شده است که قدرت چانه‌زنی کارگران به‌شدت کاهش یابد یا به صفر برسد و به همین دلیل واکنش اعتراضی کارگران بروز کند.<sup>۱</sup>

برای نمونه ظهور شرکت‌های پیمان‌کاری تأمین نیروی انسانی و بسط شیوه اشتغال مثلی (کارگر-پیمان‌کار تأمین نیروی انسانی-بنگاه تولیدی-خدماتی) نقشی مهم در دو علت اساسی بیشترین اعتراضات داشته است. دلیل اول بیشترین اعتراضات عدم پرداخت به‌موقع دستمزد و مزایا و دلیل دوم قرارداد موقت و امنیت شغلی بود که هر دوی این‌ها ارتباطی مستقیم با عملکرد این شرکت‌ها دارد: «گذشته از ترویج بی‌توجهی به قوانین در روند

۱. خیراللهی، علیرضا (۱۳۹۷)؛ کارگران بی‌طبقه (توان چانه‌زنی کارگران در ایران پس از انقلاب)؛ تهران، چ اول؛ نشر آگاه، به‌ویژه فصل‌های دوم تا چهارم.

مشروعیت بخشی حقوقی به حضور شرکت‌های تأمین نیروی انسانی در بازار کار کشور به نظر می‌رسد ظهور این شرکت‌ها را بتوان یکی از اصلی‌ترین عوامل و فاکتورهای سقوط وضعیت معیشتی کارگران در ایران امروز به شمار آورد. [...] نباید فراموش کرد که هدف کارفرمای اصلی از اشتغال مثلثی [و استفاده از شرکت‌های پیمان‌کاری تأمین نیروی انسانی] ایجاد انعطاف و سلب مسئولیت حقوقی از خود در برابر کارگران و کارکنانش است. بنابراین در این شیوه اشتغال نمی‌توان شاهد ویژگی‌های روابط کاری استاندارد و خصلت دائمی آن‌ها بود<sup>۱</sup>». آیا این چیزی جز مسأله اعتراض‌ساز «قرارداد موقت و امنیت شغلی» است؟

وقتی می‌بینیم عمده اعتراضات به شیوه تجمع مقابل نهادهای حاکمیتی صورت می‌گیرد این بیش از هر چیزی نشان‌دهنده فقدان سازوکارهای قانونی و نهادی برای احقاق حقوق کارگران است.

این پژوهش هر چند منابع آماری خود را خبرهای منتشرشده رسانه‌ها قرار داده بود اما تا همین جا هم نشان داده است که چگونه روندهای ساختاری در کنار کاستی‌های ریشه‌ای مدیریتی به بحران در محیط کار و به تبع آن اعتراضات کارگری انجامیده است. این را می‌توان بیش از همه براساس شاخه‌های تولیدی‌ای که بیشترین اعتراضات را به خود اختصاص داده‌اند نشان داد: شهرداری‌ها و آموزش و پرورش.

یکی از ویژگی مهم اعتراضات کارگری در سال گذشته، رشد چشمگیر اعتراض سراسری کارگران شاغل و بازنشسته در یک رشته از واحدهای تولیدی و یا یک بخش خدماتی بود که یا بطور هم‌زمان در تهران تجمع کردند و یا اینکه به‌طور سراسری در تعدادی از شهرها دست به اعتراض زدند. در مجموع ۵۸ مورد از این نوع اعتراضات سراسری و یا هم‌زمان، برپا شد. افزون بر این در سال گذشته اعتراض هم‌زمان در دو یا چند واحد تولیدی در یک شهر و یا در سطح یک استان رشد قابل توجهی داشت. در مجموع ۹ مورد از این نوع اعتراضات از جمله در استان چهارمحال بختیاری، قزوین و رضوانشهر و توسط کارگران شرکت‌های پتروشیمی منطقه بندرامام برپا گردید. این ویژگی حاکی

از رشد روحیه همبستگی و ایجاد نوعی از پیوند بین کارگران واحد های تولیدی و خدماتی مختلف در یک شهر و یا استان، و یا در میان کارگران تولیدی و خدماتی هم رشته در عرصه سراسری است.

همچنین روند روبه گسترش اعتراضات بازنشستگان که از سال ۹۵ شدت گرفته بود در سال گذشته ادامه پیدا کرد و بیش از پیش شکل سراسری بخود گرفت:

در سال گذشته کارگران بازنشسته صنعت فولاد، کارگران بازنشسته کارخانجات و بازنشستگان فرهنگی و لشکری دست به تجمعات گسترده ای برای همسان سازی حقوق و افزایش مستمری ها و پرداخت به موقع مطالبات زدند. در همین رابطه تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان صنعت فولاد و بازنشستگان فرهنگی و کشوری که ۱۹ روز تداوم داشت، بسیار برجسته بود.

به هر صورت با تقاطعی از مسائل ساختاری و نهادی روبه رو هستیم که همگی آن ها زمینه ساز شکل های گوناگون از اعتراضات کارگری هستند و بدون رفع آن ها نمی توان به کاسته شدن از تعداد اعتراضات کارگری یا تغییر ماهیت آن ها به شکل هایی مسالمت آمیزتر یا دربردارنده چانه زنی سازنده با کارفرما امید داشت.



## منابع



- مدنی، سعید. (۱۳۹۶)، «ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری»، نشر آگاه.

- بیات، آصف، «کارگران و انقلاب در ایران»، بی‌جا، بی‌تا.

- صفرزاده، هاله، «تاریخچه قانون کار در ایران»، قابل دسترسی در:

[http://www.ofros.com/gozaresh/safarzade\\_tghkar.htm](http://www.ofros.com/gozaresh/safarzade_tghkar.htm)

- خیراللهی، علیرضا. (۱۳۹۷)، «کارگران بی‌طبقه»، نشر آگاه.